



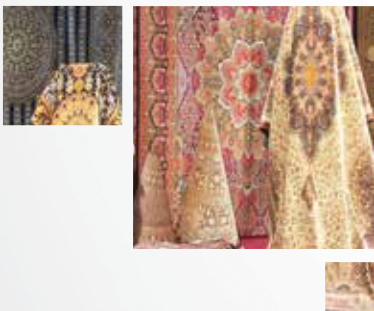
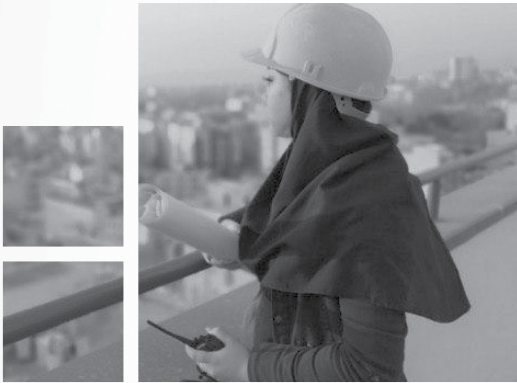
سازمان مجتبی‌ریزی کشور

۱۴۰۲ خردادماه



# نخبه‌پروری در خانواده‌بهزیستی

در این شماره با چند نخبه کشور در زمینه کسب مدارج علمی و پیشرفت صنعت گفت‌وگویی داشته‌ایم.



**سیدصورت مرتضوی: اجرای سراسری طرح کالبرگ الکترونیک در راستای مهارت‌توزم است**

**علی محمدقادی: واگذاری ۱۴ هزارمین واحد مسکونی به خانوار دارای دو عضو معلول با همکاری بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی یک روز تاجر فرش می‌شوم**  
**دلمان می‌خواهد چراغ هیج خانه‌ای خاموش نباشد**  
**نمی‌گذاریم سرنوشت خودش را به ما تحمیل کند**

گفت و گو با فرزندان موفق بهزیستی:

## نمی گذاریم سرنوشت خودش را به ما تحمیل کند

۶

در گفت و گو با مددکاران اجتماعی مطرح شد:

## دلما نمی خواهد چراغ هیچ خانه ای خاموش نباشد

۱۲



گزارش روایت زندگی یک کار آفرین موفق

## از دستفروشی در خیابان ها تا کار آفرینی آنلاین

۱۶

روایتی از یک زن کار آفرین موفق که برای رسیدن به اهدافش با بیماریش جنگید  
**یک روز تاجر فرش می شوم**

۲۵	تنها فرزند پسر سالم در خانواده های دارای فرزند معلول شدید از خدمت سربازی معاف می شود	۲	مرتضوی: اجرای سراسری طرح کالابریگ الکترونیک در راستای مهار توزم است
۲۶	خط ملی اعتیاد پاسخگوی مردم در حوزه اعتیاد	۲	رئیس سازمان بهزیستی کشور: سازمان بهزیستی نیازمند همدلی متقن جدی و مستمر آستان قدس رضوی است
۲۸	دوازدهمین دوره اعطای تندیس ملی فداکاری به دانشجویان ایران برگزار شد	۴	واگذاری ۱۴ هزارمین واحد مسکونی به خانوار دارای دو عضو معلول با همکاری بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
۳۰	واگذاری ۲۳۰۰ کودک برای فرزندخواندگی در سال گذشته	۱۸	افزایش ۴۰ درصدی حق پرستاری و یارانه مراکز غیر دولتی در سال ۱۴۰۲
۳۲	نجات ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک از خطر معلولیت با غربالگری بینایی	۱۹	بهره مندی بیش از ۲ هزار کودک کار از خدمات آموزشی و توانمندسازی بهزیستی
۳۴	سرپرست دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی خیرداد: حمایت سازمان بهزیستی از ۳۸ هزار خانوار دارای فرزند چندقلو	۲۲	تقدیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از خانواده نیکوکار مشهدی
۳۶	گفت و گو با یکی از قهرمانان تیم ملی بسکتبال با ویلچر ایران: این مدال حاصل دوسال شرکت در اردو دوری از خانواده بود	۲۳	معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور خیر داد: توزیع حدود ۱۸ هزار سمعک در سراسر کشور
		۲۴	اعزام و تربیت مترجم ناشنویان با مشارکت شبکه ملی تشکلهای مردم نهاد

اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بهزیستی کشور

behzisti.ir



برای اطلاعات بیشتر از این هدایتش QR را با گوشی خود اسکن کنید و در فضای آخرین خبرها قرار بگیرید.

مر تظوی:

## اجرای سراسری طرح کالابریگ الکترونیک در راستای مهار تورم است

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: از ۱۳ خردادماه و به منظور حمایت از خانوارهای کم درآمد اعتبار یارانه مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی در صورت خرید اعتباری بیش از ۷۰ درصد مبلغ یارانه، ۲۰ درصد افزایش می یابد. «سیدصورت مر تظوی» در نشست ویدئو کنفرانس با مدیران کل ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی سراسر کشور که مدیران کل بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز حضور داشتند، با تشریح اهداف اجرای مرحله جدید طرح کالابریگ الکترونیک اظهار داشت: اجرای طرح ملی کالابریگ الکترونیک مصوبه مجلس شورای اسلامی و در راستای سیاست های عدالت بخش نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.



وی افزود: از سال گذشته و با تکمیل سامانه شبکه ملی اعتبار در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طرح کالابریگ الکترونیک به صورت آزمایشی آغاز و در اسفندماه ۱۴۰۱ نیز به صورت سراسری به مرحله اجرا درآمد.

مر تظوی گفت: به دنبال تأکیدات ریاست محترم جمهوری و به منظور تأمین سید تغذیه خانوارهای کم درآمد، تأمین منابع مالی افزایش ۲۰ درصدی اعتبار یارانه کالابریگ در دستور کار دولت قرار گرفت.

وزیر رفاه اجتماعی با بیان این که اجرای سراسری و فراگیر طرح کالابریگ الکترونیک به مهار تورم و ثبات بازار کمک می کند، اظهار داشت: اجرای اثر بخش این طرح نیازمند همراهی و هماهنگی گسترده در تمامی استان های کشور است. وی تأکید کرد: در مرحله نخست و به منظور حمایت از خانوارهای تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) افزایش ۲۰ درصدی اعتبار یارانه از ۱۳ خردادماه برای آنان اعمال می شود و می توانند به شرط استفاده بیش از ۷۰ درصدی از سید ۱۱ قلم کالای طرح کالابریگ، مشمول این افزایش شوند. مر تظوی گفت: دولت در ادامه برای کل خانوارهای دهک های اول تا سوم این افزایش را اعمال می کند و تلاش دارد برای سایر دهک های این طرح را عملیاتی کند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اطلاع رسانی متمرکز و گسترده به مددجویان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) برای برخورداری از این طرح و افزایش اعتبار یارانه تأکید کرد و افزود: دولت برنامه ریزی گسترده ای برای تنظیم بازار، رشد تولید و مهار تورم داشته و اجرای طرح کالابریگ در همین راستا است.

رئیس سازمان بهزیستی کشور؛

## سازمان بهزیستی نیازمند همدلی متقن جدی و مستمر آستان قدس رضوی است



رضوی به بهزیستی گفت: توجه اساسی تولیت این آستان به بهزیستی نشانگر اندیشه ای ژرف و نگاهی کریمانه و متعالی در ساختار توجهاتی است که مقام معظم رهبری در سیاست های ابلاغی تأمین اجتماعی؛ کرامت بخشی به افراد معلول، محروم و سالمندان را مدنظر دارند. اما آنچه امروز می خواهیم همدلی بسیار متقن، جدی و البته مستمر و نیز داشتن سهمی برای بهزیستی در تمامی پلت فرم ها و سکوها ای ایجاد می کنیم در مجموعه آستان قدس است.

رئیس سازمان بهزیستی کشور به نیازهای سازمان بهزیستی در حوزه های مختلف گفت: مشکلات مراکز شبه خانواده، شیرخوارگاه ها، ایجاد سیاست های توانمندسازی برای فرزندان سازمان، ایجاد زیر ساخت حرفه ای در موضوع سالمندی، شیوع

نشست صمیمانه رئیس و جمعی از معاونین و مدیران سازمان بهزیستی کشور با محمدحسین استاد آقا؛ مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی، در ساختمان ستاد بهزیستی برگزار شد.

در این نشست، علی محمد قادری معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اینکه در بیان ائمه و روایات؛ به بودن و زیست بهتر برای آحاد جامعه است و در کلام امام راحل عظیم الشان ما، خدمت به معلولین و محرومین، خدمت به نبی اکرم (ص) است، گفت: در طول بیش از ۴۰ سال بعد از تأسیس سازمان بهزیستی، گسترده و تنوع مأموریت های این سازمان به بیش از ۱۶۰ فعالیت رسیده است و یکی از کارکردهای اساسی این سازمان تمشیت و تولید سلامت اجتماعی و خدمت به محرومین است.

وی با اشاره به کمک های آستان قدس



توجه اساسی تولیت این آستان به بهزیستی نشانگر اندیشه‌ای ژرف و نگاهی کریمانه و متعالی در ساختار توجهاتی است که مقام معظم رهبری در سیاست‌های ابلاغی تأمین اجتماعی؛ کرامت‌بخشی به افراد معلول، محروم و سالمندان را مد نظر دارند



### توجه ویژه به گروه‌های خاص، نیازمند سوز و شوق درونی است

مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی نیز در این نشست با اشاره به اهم مسائلی که قابلیت پیگیری مشترک میان بهزیستی و بنیاد کرامت رضوی را دارند، گفت: جامعه هدفی که شما به آن خدمت می‌کنید؛ همچون خدمت‌گیرندگان بنیاد کرامت رضوی از بهترین‌های درگاه خداوند هستند و وظیفه ما این است که هر چه می‌توانیم زندگی‌شان را تسهیل کنیم و این کار سوز و اشتیاق

بیماری‌های نوپدید، کمبود ابزارهای کمک توانبخشی اعم از ویلچر برقی و دستگاه‌های غربالگری بینایی و شنوایی، مشکلات پرداخت حق پرستاری، تأمین اقلام بهداشتی، بیمه‌پردازی و... مشکلاتی است که سازمان بهزیستی با آن روبه‌رو است و در تلاش هستیم تا با همکاری آستان قدس رضوی از این مشکلات بکاهیم. وی همچنین در خصوص استفاده از ظرفیت‌های معنوی فضای ملکوتی بارگاه مقدس حضرت رضا(ع) برای آحاد جامعه هدف پیشنهادهایی ارائه کرد.



درونی می‌طلبد و یک کار اداری نیست. وی بنیاد کرامت رضوی را به عنوان سازمان اجتماعی آستان قدس رضوی معرفی کرد و گفت: برنامه‌هایی که این بنیاد برای مادران، زنان و دختران، تازه‌مزدوجین، افراد نیازمند مشاوره و... اجرا می‌کند، برش‌هایی برای جامعه هدف سازمان بهزیستی دارد که عمده‌تاً توسط ادارات کل استانی بهزیستی پیگیری و راهبری می‌شود. ظرفیت این برنامه‌ها می‌تواند به درخواست سازمان بهزیستی افزایش یابد تا گروه‌های بیشتری از آن بهره‌مند شوند.

در پایان این جلسه مقرر شد نمایندگان از سازمان بهزیستی و بنیاد کرامت رضوی تعیین شوند تا درخواست‌های اقتصادی بهزیستی از آستان قدس رضوی را در قالب تفاهم‌نامه همکاری مشترک تدوین و اجرایی کنند.



**در طول بیش از ۴۰ سال بعد از تأسیس سازمان بهزیستی، گستره و تنوع مأموریت‌های این سازمان به بیش از ۱۶۰ فعالیت رسیده است و یکی از کارکردهای اساسی این سازمان تمشیت و تولیت سلامت اجتماعی و خدمت به محرومین است**



## واگذاری ۱۴ هزارمین واحد مسکونی به خانوار دارای دو عضو معلول با همکاری بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی



برخوردار شدند.

وی در خصوص میزان حمایت مورد نیاز سازمان بهزیستی از بنیاد مستضعفان گفت: با توجه به اینکه موتور تولید فقر، معلولیت و آسیب‌های اجتماعی مداوم روشن است و نمی‌توانیم بگوییم در جایی موضوعی متوقف می‌شود. اما با توجه به نگاه کارشناسی، مولدسازی و رویکرد بنیاد مستضعفان نسبت به جامعه هدف بهزیستی، به نظر می‌رسد که این حمایت در سال ۱۴۰۲ جهش فوق‌العاده‌ای پیدا کند و مسیر خدمت بیش از گذشته طی خواهد شد.

وی در خصوص مسکن مددجویان بهزیستی گفت: موضوع مسکن مددجویان از گذشته و به خصوص در دوره ایشان با تجدید تفاهم نامه مسکن خانوارهای دارای دو عضو معلول و بیشتر، جاری و برقرار است و به زودی شاهد برگزاری آیین واگذاری ۱۴ هزارمین واحد مسکونی به خانوار دارای دو عضو معلول، توسط بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی خواهیم بود.

قادری همچنین به تأمین مسکن خانوارهای تحت پوشش بهزیستی در طرح نهضت ملی مسکن اشاره کرد و گفت: مقرر شده است که حدود ۱۶۰ هزار واحد مسکونی در برنامه جهش مسکن، طی سه سال برای سازمان بهزیستی ساخته شود. زیرساخت‌ها توسط وزارت

رئیس سازمان بهزیستی کشور در نشست با رئیس بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی از احداث ۱۶۰ هزار واحد مسکونی برای جامعه هدف سازمان بهزیستی طی سه سال، در برنامه جهش مسکن خبر داد.

علی محمدقادی معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور در این نشست گفت: در زمان حضور مهندس فتاح در بنیاد مستضعفان یک پنجره جدید نسبت به رویکردهای تخصصی برای بهزیستی گشوده شده است و در تمام رویکردها توانسته‌ایم از ظرفیت‌های بنیاد مستضعفان برای جامعه هدف بهزیستی بهره‌مند شویم.

وی افزود: بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی؛ از ابتدای شیوع کرونا، زیرساخت‌هایی که در خصوص تأمین اقلام اساسی برای مراکز توانبخشی ما لازم بود ایجاد کرده است. همچنین خدمات معیشتی و کمک هزینه‌هایی را در سفرهای استانی مهندس فتاح در تمامی استان‌ها به جامعه هدف ارائه کرده‌ایم.

قادری گفت: بیش از ۱۲۵۰ میلیارد تومان در این سه سال و در سرفصل‌های مختلف از سوی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به بهزیستی کمک شده است و واحدهای مختلف جامعه هدف بهزیستی که بانوان سرپرست خانوار، افراد دارای معلولیت و... هستند از این کمک‌ها

راه و شهرسازی و در حوزه تکالیف دولت هست، اما بخش قابل توجهی از املاک بنیاد مستضعفان به نهضت ملی مسکن در استان‌ها تعلق گرفته است. همچنین در جهت مولدسازی؛ می‌گذرد و سیما توسط بنیاد مستضعفان برای آحادی از جامعه هدف کم‌برخوردار تهیه شده است.

رئیس سازمان بهزیستی کشور در پایان گفت: خدا را شاکریم که با فرامین مقام معظم رهبری خصوصاً در فرمایش‌های اخیر ایشان (که تمام قوا و نهادهای عمومی حاکمیتی با هم در یک پیکر هستند)، امروز می‌بینیم این امر سالیانی است که در بنیاد مستضعفان محقق شده است و می‌توانیم مسیر بالاترین خدمت، برای خدمت و برای مردم را بیش

**علی محمدقادی:**  
**در زمان حضور مهندس فتاح در بنیاد مستضعفان یک پنجره جدید نسبت به رویکردهای تخصصی برای بهزیستی گشوده شده است و در تمام رویکردها توانسته‌ایم از ظرفیت‌های بنیاد مستضعفان برای جامعه هدف بهزیستی بهره‌مند شویم**



خدا را شاکریم که با فرامین مقام معظم رهبری خصوصاً در فرمایش‌های اخیر ایشان (که تمام قوا و نهادهای عمومی حاکمیتی با هم در یک پیکر هستند)، امروز می‌بینیم این امر سالیانی است که در بنیاد مستضعفان محقق شده است و می‌توانیم مسیر بالاترین خدمت، برای خدمت و برای مردم را بیش از پیش داشته باشیم

از پیش داشته باشیم.

همچنین در این نشست با موافقت رئیس بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و به صورت تصویب کلیات، مقرر شد نظام مسائل بهزیستی و موضوعات مطروحه، با همکاری کارشناسان و متخصصین بهزیستی و بنیاد مستضعفان، بررسی و بازنگری مجدد شود و سرفصل‌های جدید با نگاه توانمندسازی نوشته شود. شایان ذکر است؛ در این جلسه در خصوص حمایت‌های جدید بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در موضوعاتی چون ساخت مسکن، ودیعه مسکن، جهیزیه، تجهیزات توانبخشی، اشتغال و... مددجویان سازمان بهزیستی تبادل نظر شد.



**کمک ۱۲۵۰ میلیارد تومانی بنیاد مستضعفان به سازمان بهزیستی طی ۳ سال گذشته**

رئیس بنیاد مستضعفان در جلسه با رئیس و معاونان بهزیستی کشور با تأکید بر ضرورت احساس مسئولیت در برابر محرومان، از حمایت ۱۲۵۰ میلیارد تومانی بنیاد از مددجویان و معلولان بهزیستی طی ۳ سال گذشته خبر داد.

سید پرویز فتاح در نشست رؤسا و شورای معاونان بنیاد مستضعفان و بهزیستی، اظهار کرد: سیره ائمه

معصومین و امام رضاع) برای ما یک مکتب و مسیری است که ما باید خود را مکلف به عمل به آن بدانیم و تا زمانی که این عمل ما به سیره ائمه محقق نشود، نمی‌توانیم خودمان را مأموم این ائمه بدانیم.

رئیس بنیاد مستضعفان با تأکید بر اینکه مسئولان در برابر مردم و خصوصاً محرومان وظیفه دارند، گفت: ما در برابر محرومان مسئول هستیم و اگر خدای ناکرده کم‌کاری و خطایی داشته باشیم قطعاً از سوی خداوند مورد بازخواست و مواخذه قرار خواهیم گرفت.

وی با تأکید بر لزوم فاصله گرفتن از ساختارهای ناکارآمد اداری و ارائه طرح‌های نو برای خدمت مؤثرتر و سریع‌تر به محرومین، خطاب به



**سید پرویز فتاح: مادر برابر محرومان مسئول هستیم و اگر خدای ناکرده کم‌کاری و خطایی داشته باشیم قطعاً از سوی خداوند مورد بازخواست و مواخذه قرار خواهیم گرفت**

مسئولان بهزیستی گفت: شما باید کمک‌های بنیاد مستضعفان به مددجویان این سازمان را جهت‌دار کنید و این کمک‌ها را به سمت اولویت‌های محرومان سوق دهید. فتاح در ادامه با اشاره به ارتباط مستمر بنیاد مستضعفان با بهزیستی برای حمایت از محرومان و معلولان تحت پوشش این سازمان گفت: ما در سال‌های اخیر و بخصوص در ایام شیوع کرونا، سعی کردیم رسیدگی به جامعه محرومان تحت پوشش بهزیستی را تقویت کنیم و این مسیر همچنان ادامه دارد.

رئیس بنیاد مستضعفان با بیان اینکه این بنیاد طی ۳ سال اخیر بیش از ۱۲۵۰ میلیارد تومان برای حمایت از مددجویان این سازمان در اختیار بهزیستی قرار داده است گفت: این یعنی بنیاد مستضعفان سالانه به طور متوسط بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان در اختیار بهزیستی قرار داده است و ما تلاش داریم این خدمت ما به عزیزان معلول و خانواده‌های تحت پوشش بهزیستی ارتقاء یابد.

وی با تشریح بخشی از حمایت‌های بنیاد مستضعفان از معلولان و جامعه تحت پوشش بهزیستی گفت: ما برای خانه‌دار شدن خانواده‌های دارای چند معلول در نوبت اول مشارکت

در ساخت ۱۴ هزار خانه را در دستور کار قرار دادیم و در نوبت دوم نیز ساخت ۴ هزار واحد مسکونی دیگر را به این تفاهم‌نامه اضافه کردیم که خوشبختانه تا امروز ۱۴ هزار مسکن در این قالب احداث شده و ۱۴ هزار خانواده دارای ۲ معلول و بیشتر صاحب خانه شده‌اند.

فتاح با تأکید بر حمایت‌های بنیاد مستضعفان از محرومان تحت پوشش بهزیستی بر اساس درخواست‌های این سازمان گفت: در حوزه اشتغال نیز سال گذشته ۲۰۰ میلیارد تومان تسهیلات قرض الحسنه از سوی بنیاد مستضعفان به خانواده‌های تحت پوشش بهزیستی پرداخت شد و در سال جاری نیز این مسیر ادامه می‌یابد. رئیس بنیاد مستضعفان در پایان خاطر نشان کرد: ما در سال جاری قطعاً به حمایت‌های خود از خانواده‌های معلول و محروم تحت پوشش بهزیستی در قالب مشارکت در خانه‌دار شدن خانواده‌های دارای چند معلول، توزیع بسته‌های معیشتی و البته ارائه وام قرض الحسنه ادامه می‌دهیم و در سایر بخش‌ها همچون تأمین هزینه خرید ویلچرهای برقی، سمعک... نیز با توجه به درخواست سازمان بهزیستی در حد برنامه‌ریزی‌های انجام شده، تلاش می‌کنیم.



گفت و گو با فرزندان موفق بهزیستی:

# نمی‌گذاریم سرنوشت خودش را به ما تحمیل کند

بزرگ علمی کرده است. جوان‌هایی که اکنون نامشان با عنوان خاتم یا آقای دکتر صدا زده می‌شود و اختراعات جهانی به نامشان ثبت شده است زمانی در تاریخ‌ترین لایه زندگی‌شان تنها به دنبال سایه‌ای بودند تا زیر آن شرایط سخت زندگی‌شان را تحمل کنند. اکنون همان‌ها به درختان تنومندی تبدیل شده‌اند که دیگران زیر سایه‌هایشان دنبال رویاهایشان می‌دوند! باید باور کنیم از همین کلیشه‌ها گاهی روایت‌هایی بیرون می‌آید که می‌تواند برای همه ما یک تجربه درس آموز تلقی شود. اینکه در هیچ شرایطی تسلیم سرنوشتی که به ما تحمیل شده نشویم! گزارش زیر درباره سه جوان نخبه علمی است که زمانی عضو خانواده بزرگ بهزیستی بوده‌اند و حالا مسیر زندگی‌شان را با حمایت بهزیستی به سمت رویاها و خواسته‌هایشان تغییر داده‌اند.

شنیده‌اید که می‌گویند موفقیت از دل شکست بیرون می‌آید؟ یا شاید جملات کلیشه‌ای زیادی در وصف موفقیت آدم‌های بزرگی شنیده‌اید که زمانی در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کردند. خیلی‌ها ایمان فکر می‌کنیم این جملات شعاری است. یا شاید هم سخت است که باور کنیم مثلاً کسی که زمانی حتی از خرید یک تکه نان برای خودش عاجز بوده حالا یک کارخانه نان به نام خودش ثبت کرده است. این روایت‌ها اگر چه خیلی وقت‌ها غرق آمیز و کلیشه‌ای بیان شده است اما به واقعیت آدم‌های اطرافتان که دقت کنید متوجه می‌شوید گاهی همین کلیشه‌ها از دل زندگی‌های واقعی بیرون آمده که ما سال‌هاست عادت به شنیدنشان کرده‌ایم. روایت گزارش زیر از سه زندگی پر دست‌اندازی برداشته شده که حالا سه جوان نخبه موفق راهی میدان‌های

درخشیدن است و اگر می‌خواهد دستاوردهایش در سطح جهانی بدرخشد که البته تا حدودی هم درخشیده است، نه دنبال نام و نشانی‌های عجیب و غریب است و نه معروفیت‌های غیر قابل هضم و تصور؛ هدفش مهاجرت و دریافت ویزای فلان کشور هم نیست. مریم فقط یک هدف دارد. «به عنوان یک زن در سکوه‌های جهانی قدرتان زحمات مادری باشد که یک روز همه چیزش را فدای رشد و تربیت دختری کرد که این روزها رانه در خواب و رویا که در واقعیت ببیند.» زندگی مریم را باید از دوزاویه دید. اول نقش او به عنوان دختری که از یک دانشگاه درجه یک پایتخت در رشته مهندسی فارغ‌التحصیل شده و حالا همه تلاشش را می‌کند تا در رویدادها و مسابقات بین‌المللی موفق شده و نام دختران ایرانی را سر بلند کند. و دوم دختری که به خودش قول داده تا هر طور که شده زحمات مادرش را جبران کند. سال ۹۸ که کنکور می‌دهد وقتی در رشته ریاضی از یکی از بهترین دانشگاه‌ها پذیرش مهندسی می‌گیرد تازه سفر اکتشافی‌اش شروع می‌شود....



## تا شکسته نشویم بلند نمی‌شویم

مریم نام مستعار مهندسی است که این روزها هم نامش هم وصف اختراعاتش جهانی شده است. با او تا وقتی درباره استعداد و نبوغش حرف نشنیده‌اید تصور دختری را دارید که برای بدست آوردن خیلی چیزها فقط جنگیده است... اما وقتی پای نبوغ و هوش و استعدادش به میان می‌آید تازه یادتان می‌آید که برای نابغه شدن هم باید اراده و انگیزه داشت. خیلی‌هایی که حالا سرنوشت سخت و تلخ زندگی‌شان را پذیرفته‌اند یادشان می‌رود که خیلی‌ها امثال مریم دور و اطراف آن نشسته‌اند تا یادشان ببینانند که زندگی بالا و پایین زیادی دارد اما نتیجه‌اش هر چه که باشد حتمی نیست. آن‌ها می‌خواهند به شما ثابت کنند تا نقش خودتان را در روایت‌های زندگی‌تان دست کم نگیرید! این را دختری می‌گوید که یک روز به خودش قول می‌دهد تا دنیا را دگرگون کند. هدفش اما فراتر از همه آن چیزهایی است که ما فکر می‌کنیم. اگر دنبال





**اول نقش او به عنوان  
دختری که از یک  
دانشگاه درجه یک  
پایتخت در رشته  
مهندسی فارغ التحصیل  
شده و حالا همه تلاشش  
را می کند تا در رویدادها  
و مسابقات بین المللی  
موفق شده و نام دختران  
ایرانی را سر بلند کند.  
و دوم دختری که به  
خودش قول داده تاهر  
طور که شده زحمات  
مادرش را جبران کند**

نخبه بودن کافی نیست. اینکه به او برچسب خانواده بهزیستی بزنند و نگذارند تلاش هایش دیده شود هم همیشه برایش دغدغه بوده است. می گوید ما به خیلی ها ثابت کرده ایم که «می توانیم». استعدادهای زیادی در خانواده بهزیستی هست که باید دیده شود. برخی ها می خواهند ارزش کار ما را پایین بیاورند. به جای تمرکز بر دستاوردهای ما روی نقاطی دست می گذارند که دست ما نبوده است. اما ما کوتاه نمی آییم به همه ثابت می کنیم که تسلیم سرنوشتی که به ما تحمیل شده، نخواهیم شد. من با همین انگیزه تلاش کردم تا در رویدادهای بین المللی هم شرکت کنم و خود را محدود به مسابقات و جشنواره های داخلی نکردم. در مسابقه مخترعین مدال طلای جهانی بدست آوردم. اما این تازه شروع مسیر موفقیت های من بود و حالا خود را برای شرکت در یک مسابقه بزرگ تر آماده می کنم. اما چالش ها همچنان هست. بهزیستی سال گذشته ۱۵ میلیون تومان حمایت کرد ولی در این مسیر پر هزینه که به تجهیزات و وسایل زیادی نیاز داریم این پول ها، کفاف هزینه ها را نمی دهد. مریم می گوید:

**بهزیستی سال گذشته ۱۵  
میلیون تومان حمایت  
کرد ولی در این مسیر  
پر هزینه که به تجهیزات  
و وسایل زیادی نیاز  
داریم این پول ها، کفاف  
هزینه ها را نمی دهد**

ترم اول دانشگاه خودش را محدود به درس خواندن نمی کند. سراغ یادگیری می رود و انواع مهارت ها و نرم افزارهایی که باید بدانند را یاد می گیرد. کمی که جلو می رود تدریس را هم به برنامه اش اضافه می کند و چون خودش طعم سختی و رویارویی با انواع چالش ها را کشیده است به بچه هایی که شرایط مالی ضعیفی دارند یا مثل او تحت پوشش بهزیستی بوده اند آموزش می دهد. مریم مدام یک جمله را تکرار می کند «می خواهم مسیر پیشرفت را به سمت یک خروجی ببرم». برایش فقط یک مهندس ساده یا دانشجوی

مریم می گوید قبولی در دانشگاه و آن هم در چنین رشته ای کار ساده ای نبود. حتی برای آن هایی که یک زندگی عادی و بی دغدغه داشتند. اما شما تصور کنید در دل مشکلاتی غرق شده اید که کنترل کردنش کار راحتی نیست. آن هم برای دختری ۱۷ ساله که بین دعاها و اختلافات پدر و مادر گیر افتاده و در لحظه ای که باید تمام ذهنش بر درس و دانشگاه متمرکز شود به ناچار باید سخت ترین تصمیم والدینش که همان جدایی است را بپذیرد. مریم اما تسلیم نمی شود. خودش می گوید خیلی ها اگر جای او بودند جا می زدند و کم می آوردند؛ اما او تلاش های شبانه روزی مادرش را که می بیند عزمش را جزم می کند تا محکم تر و با اراده تر این مسیر سخت را به انتهای برساند که خودش می خواهد... برای همین تلاش هایش را صد چندان می کند و وقتی دانشگاه قبول می شود برای اینکه بتواند کمک خرج خانه باشد و کمی از زحمات مادرش را جبران کند به دنبال راه انداختن کسب و کار خودش می رود. می گوید هنوز مانده تا آن کار آفرینی که در ذهنش بود بشود اما از همان





**اواز ۱۲ سالگی  
وارد خانواده بزرگ  
بهزیستی می شود و  
آنقدر تلاش می کند و  
مصمم ادامه می دهد  
تا امروز که به یک  
دانشجوی نخبه‌ی  
علمی تبدیل می شود**

پیدا کنیم. باید در عرصه بین الملل هم قابلیت‌ها و توانایی زنان ایرانی را نشان دهیم. نباید اجازه دهیم کسی ما را دست کم بگیرد. وقتی برای کار به برخی محیط‌های کاری مردانه می‌روم اول ما را کم می‌بینند اما وقتی تلاش و اراده ما را می‌بینند

کردن نیستیم. اینکه یکبار حمایت شویم و بعد به حال خودمان رها شویم کافی نیست. این حمایت‌ها باید ادامه دار شود. من می‌خواستم به بچه‌ها خصوصاً دخترانی شبیه خودم ثابت کنم که دختر بودن به معنای توقف کردن نیست و اینکه در شرایط سخت نباید بی‌انگیزه باشیم. ما مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی داریم اما خودمان تعیین می‌کنیم که چه خروجی داشته باشیم. اینکه گوشه‌ای بنشینیم و گریه کنیم و افسرده شویم راحت است اما هنر این است که از دل مشکلات موفق بیرون بیاییم. به هر حال مشکلات وجود دارد اما اینکه چگونه از آن‌ها عبور کنیم مهم است.»  
تنها هدف مریم حالا شرکت در یک مسابقه بین المللی است. می‌گوید کار سختی است و هزینه زیادی دارد. «ما تلاش می‌کنیم تا اسپانسر

**رضامی گوید که درس  
خواندن در یک فضای  
گروهی و در یک مجتمع  
خوابگاهی کار ساده‌ای  
نیست؛ چون هم نیاز به  
تمرکز دارد و هم سکوت**

مریم البته دوست دارد تلاش و دستاوردهای بچه‌های با استعداد تحت پوشش بهزیستی بیشتر از این‌ها دیده شود. او می‌گوید: «ما روی برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی کار می‌کنیم و همگی هدفمان روشن است و دنبال بازی و وقت تلف

» مثلاً برای شرکت در مسابقه جهانی پیش رو فقط برای ورودی باید ۴ هزار و ۵۰۰ دلار بپردازیم. همچنین خرید قطعات و تجهیزات واقعاً گران است.»

مریم در صحبت‌هایش مدام از مادری می‌گوید که در همه این سال‌ها بار سنگین زندگی را با حمایت بهزیستی به دوش کشیده است. او می‌گوید مادرم سرپرست خانوار بود و تحت حمایت ایشان وارد بهزیستی شدم. من یک خواهر و برادر هم دارم که آن‌ها هم تحصیل کرده و موفق هستند. مادرم سخت کار کرد تا ما درس بخوانیم و پیشرفت کنیم و من با همین انگیزه جلو رفتم. دلم می‌خواهد بتوانم بار مالی زندگی را از روی دوشش بردارم. او تصمیم به جدایی گرفت تا ما در یک محیط آرام و با روحیه روان سالم فقط روی درس‌هایمان متمرکز شویم.»



یکی از مراکز خیریه منتقل شدم. آن زمان بشدت پر خاشگر و عصبی بودم و تحمل هیچ کس را نداشتم. اما در مرکز خیلی با من کار کردند. روانشناس داشتم و مرتب مشاوره می شدم. کم کم ورزش را شروع کردم. اما درسم خیلی ضعیف بود. چون قبل از فرار حدود ۶-۷ ماهی بود که ترک تحصیل کرده بودم.»

زندگی رضا اما وقتی وارد مرکز می شود تغییر می کند. دانش آموز ترک تحصیل کرده دوباره به آغوش درس و تحصیل بر می گردد و با اینکه در میانه های ترم ثبت نام می کند اما می تواند با تلاش و اراده زیاد خودش را به هم کلاسی هایش برساند.

رضا می گوید که درس خواندن در یک فضای گروهی و در یک مجتمع خوابگاهی کار ساده ای نیست؛ چون هم نیاز به تمرکز دارد و هم سکوت. اما من تصمیم گرفته بودم که موفق شوم و برایم مهم نبود

**مسعود هم مثل خیلی های دیگر که با تلاش و انگیزه به این جا رسیده اند تاکید دارد که بگوید هیچ وقت ناامید و بی انگیزه نشده است**

رضا می گوید: «نامادری ام بشدت مرا کتک می زد. حال خیلی بدی داشتم. یک روز گفتم دیگر اینجا نمی مانم. از خانه بیرون زدم و خودم را به پلیس معرفی کردم. آن ها هم من را از طریق اورژانس اجتماعی به دادگاه فرستادند و بعد هم به

رسیدن او به این موفقیت هایش البته بدون دست انداز نیست. وقتی ماجرای سختی هایی که پشت سر گذاشته است را می شنویم باور نمی کنیم یک نفر در چنان شرایطی حالا چنین رتبه علمی بالایی بدست آورده و در چنین نقطه ای از موفقیت ایستاده باشد. رضا حالا دانشجوی ارشد دانشگاه تربیت مدرس است و با افتخار می گوید که از خانواده بهزیستی است. داستان زندگی او از زمانی شروع می شود که حدوداً ۱۲ ساله است و تصمیم می گیرد از خانه فرار کند. آن زمان پدر و مادرش از هم جدا شده و رضا با نامادری اش زندگی می کند. اما آنقدر از نظر روحی و روانی تحت شکنجه و حتی آزار فیزیکی قرار می گیرد که دیگر نمی تواند شرایط سختش را تحمل کند. یک روز تصمیم می گیرد تا به هر چه داشته و نداشته پشت پا بزند و خودش را به پلیس معرفی کند.

متوجه می شوند که دخترها هم می توانند دنیا را در دست بگیرند و جلو بروند. این برای من خیلی شیرین است. اما باز هم تلاش می کنم تا صدای زنان ایرانی را به گوش دنیا برسانم. من عاشق ایرانم و با وجود رزومه ای که دارم ترجیح می دهم ایران بمانم و برای کشورم خدمت کنم. چون اینجا دنیا آمده و بزرگ شده ام. با این وجود می خواهم که از ما حمایت کنند و نگذارند به خاطر هزینه های سنگین پروژه های تحقیقاتی دل سرد و ناامید شویم.»

### شکست نقطه شروع پیروزی

روایت زندگی رضا هم شبیه مریم است. او از ۱۲ سالگی وارد خانواده بزرگ بهزیستی می شود و آنقدر تلاش می کند و مصمم ادامه می دهد تا امروز که به یک دانشجوی نخبه ای علمی تبدیل می شود. داستان

در چه شرایطی قرار داشتیم. چون سختی‌هایی وحشتناک و غیر قابل‌تصور را پشت سر گذاشته بودم که البته کار راحتی نبود. شاید شما بشنوید و رد شوید اما واقعیت درد داشت....

تلاش‌های رضا البته جواب داده است. او که زمانی مدرسه را رها کرده بود و شاگرد ضعیفی به حساب می‌آمد حالا توانسته در یک دانشگاه معتبر و معروف درس بخواند و برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند. رضا ازدواج نکرده و فعلاً قصدش تمرکز بر درس‌هاست. می‌گوید می‌خواهد دکتری را در کشور دیگری بگذارد و فعلاً مشغول ارتقای رزومه‌ام هستم و امید دارم روزی برگردم و به کشورم خدمت کنم.

او این موفقیت‌ها را به نوعی مدیون مربی‌های مرکزی است که در آنجا بزرگ شده. «هر جا خسته و بی‌انگیزه و ناامید می‌شدم مربی‌ها تشویق‌م می‌کردند تا ادامه دهم. آن‌ها به من انگیزه دادند و نمی‌گذاشتند که شرایط سخت بر من غلبه کند. البته به جایی رسیدم که خودم هم کم‌کم به خودم انگیزه می‌دادم. مخصوصاً زمان‌هایی که از سختی درس‌ها کلافه می‌شدم و از پس آزمون‌ها بر نمی‌آمدم. به هر حال دانشگاه رفتن سخت است. یادم می‌آید زمانی آنقدر خسته شده بودم که می‌خواستم انصراف دهم. اما مربی‌ها نگذاشتند. حالا در مرکز خودمان مربی شب هستم و در مرکز مهرآفرین نیز به مربیگری مشغولم. دلم می‌خواهد همینطور با انگیزه جلو بروم. به همه آن‌هایی که شرایطی مشابه من دارند، می‌گویم توقف نکنید. جلو بروید چون معتمد افرادی که سختی می‌کشند و به قول معروف در پر قو بزرگ نشده‌اند به جایگاه بهتری می‌رسند. همیشه به خودم افتخار

می‌کنم. چون در شرایطی زندگی کردم که ممکن بود مسیر زندگی‌ام به ناکجاآباد برود اما خوشحالم که در این مسیر قرار گرفته‌ام.»

### از حواشی دوری کنید

دانشجوی نخبه دیگری که از دل خانواده بزرگ بهزیستی بیرون آمده مسعود است. دانشجوی دکتری تخصصی که حالا برای خودش برو بیایی دارد. در یک مرکز تحقیقاتی دانشگاهی فعالیت می‌کند و تمام هم‌ و غم و روز و شبش را برای به موفقیت رسیدن پروژه‌هایی گذاشته که کمتر کسی قصه پشت این همه تلاش را می‌داند. مسعود از خانواده‌ای می‌آید که پدرش مشکل اعصاب و روان داشته و سال‌ها تحت پوشش بهزیستی دارو و درمان می‌شده است. مسعود می‌گوید پدرش یک بیمار دو قطبی است. چند ماه از سال را عادی می‌گذراند و مثل همه افراد معمولی زندگی می‌کند و مشکلی ندارد. اما امان از آن روزهایی که قطب دوم فعال می‌شود. مسعود دلش نمی‌خواهد حالا که ورق سفید زندگی‌اش را برگردانده از روزهایی حرف بزند که سیاهی زندگی بر روزهای نوجوانی‌اش غلبه کرده بود. خودش از شرایط امروزش راضی است و می‌گوید اگر حمایت‌های بهزیستی نبود شاید امروز سرنوشت برایش شکل دیگری از زندگی را رقم زده بود. حدود ۱۰ سال قبل به خاطر شرایط مالی ضعیف و گرانی داروهای پدر، عضو خانواده بهزیستی می‌شوند. سال ۹۳ وارد دانشگاه آزاد می‌شود و حدود ۸۰ درصد هزینه‌هایش را بهزیستی می‌پردازد. مسعود اما بی‌خیال درس نمی‌شود. عزمش را جزم می‌کند تا هر طور که شده جلو برود. ارشدش را با معرفی به استاد

**مسعود می‌گوید پدرش یک بیمار دو قطبی است. چند ماه از سال را عادی می‌گذراند و مثل همه افراد معمولی زندگی می‌کند و مشکلی ندارد. اما امان از آن روزهایی که قطب دوم فعال می‌شود**

ادامه می‌دهد. بالاخره وارد دکتری می‌شود. مسعود حالا ترم ۴ دکتری تخصصی است. بهزیستی چند ماه پیش ۱۵ میلیون تومان کمک هزینه تشویقی به او داده که مسعود همه را پس‌انداز کرده است تا روی درس‌هایش تمرکز کند. می‌گوید فعلاً کار مشخصی ندارد. روی پروژه‌های تحقیقاتی کار می‌کند و کمی هم به هم‌کلاسی‌ها و سال پایینی‌ها آموزش می‌دهد.

اما داستان رسیدن او به این جایگاه هم شنیدنی است. مسعود هم مثل خیلی‌های دیگر که با تلاش و انگیزه به این جا رسیده‌اند تاکید دارد که





دلش می‌خواهد در یکی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی فعالیت کند و اگر به این هدفش برسد در ایران می‌ماند و به کارش ادامه می‌دهد

دیگر دکتر می‌شود و می‌گوید چون در ایران در رشته او پست دکتری وجود ندارد می‌خواهد خارج از ایران ادامه تحصیل بدهد. البته او بر نامه‌های دیگری هم دارد. دلش می‌خواهد در یکی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی فعالیت کند و اگر به این هدفش برسد در ایران می‌ماند و به کارش ادامه می‌دهد. مسعود دلیل موفقیت امروزش را تمرکز بر هدفش و بی‌توجهی به حواشی می‌داند. او می‌گوید که فعلاً به خاطر فعالیت در حوزه تحقیقاتی در دانشگاه اجازه کار ندارد اما بعد از اینکه درسش تمام شد دوست دارد در آزمایشگاه ژنتیک پزشکی فعالیت کند. هزینه‌های امروز او حالا از پس اندازی که داشته تأمین می‌شود. از مشاوره و آموزشی که به دانشجویان دیگر می‌دهد. مسعود البته دلش برای دانشجویان ایرانی می‌تپد. می‌گوید دلم می‌خواهد تک بعدی نباشند و به همه ابعاد زندگی نگاه کنند. حتی در دانشگاه هم اگر می‌خواهند ادامه تحصیل بدهند باید همه مهارت‌ها و آموزش‌ها را ببینند تا درست پیشرفت کنند. اصل را باید بر این بگذارید که در حوزه خودشان برتر باشند. این اولویت مهمی است و می‌تواند به زندگی آن‌ها جهت بدهد. روایت مسعود البته شبیه خیلی از نخبگان دیگری است که حالا روی درس و دانشگاه به شکل دیگری متمرکز شده‌اند. آن‌هایی که می‌دانند در شرایطی که هوش مصنوعی به میدان آمده و انواع و اقسام مهارت‌ها و نرم‌افزارها بازاری شده نباید تنها به کتاب‌های مکتوب بسنده کنند. دانشجویانی که اگر روایت پشت زندگی‌شان را ندانید برایتان فرقی نمی‌کند از کدام محله تهران یا از کدام روستای دورافتاده کشور هستند! همه آن‌ها در یک نقطه مشابه‌اند؛ جغرافیای محل تولد همه آن‌ها ایران است!

شرایط مالی به چشم ترحم به ما نگاه کنند. کار سختی بود. به هر حال برچسب‌های زیادی می‌خوردیم. یادم هست همان زمان که بهزیستی کمک هزینه کارشناسی من را در دانشگاه پرداخت می‌کرد چقدر نگاه‌ها آزاردهنده بود. حتی بعضی کارمندان آموزش به کنایه می‌گفتند که شما باید بیشتر درس بخوانید و مطالعه کنید چون هزینه‌هایتان از جیب دیگران پرداخت می‌شود!»

داستان زندگی مسعود پر از پستی و بلندی است اما دوست دارد از حواشی بگذریم و به شرایط امروزش بپردازیم. دانشجویی که تا چند وقت

بگوید هیچ‌وقت ناامید و و بی‌انگیزه نشده است. چرایش را هم از زبان خودش بشنوید: «از وقتی یادم می‌آید همیشه ما را به چشم دیگری نگاه می‌کردند. نه اینکه بد باشد یا خوب. بیشتر از این جهت که چون در شرایط سخت مالی بزرگ شده بودیم. انگار همه توقع داشتند تا ما باید بیشتر تلاش کنیم. این نگاه به خود ما هم سرایت کرد و من از همان زمان احساس می‌کردم برای اینکه بخواهم زندگی‌ام را تغییر دهم باید بیشتر همت کنم. چون دلم می‌خواست ارزش‌هایم را ثابت کنم. اجازه ندهم به خاطر وضعیت پدر و



**حدود ۱۰ سال قبل به خاطر شرایط مالی ضعیف و گرانی داروهای پدر، عضو خانواده بهزیستی می‌شوند. سال ۹۳ وارد دانشگاه آزاد می‌شود و حدود ۸۰ درصد هزینه‌هایش را بهزیستی می‌پردازد. مسعود اما بی‌خیال درس نمی‌شود. عزمش را جزم می‌کند تا هر طور که شده جلو برود. ارشدش را با معرفی به استاد ادامه می‌دهد. بالاخره وارد دکتری می‌شود. مسعود حالا نرم‌افزارهای تخصصی است**

## دلما می خواهد چراغ هیچ خانه ای خاموش نباشد

روشنایی هستند. مددکارانی که همیشه دغدغه اصلی شان، مددجویانشان بوده و آرزوی همیشگی شان هم این است که هیچ قلبی نشکند، هیچ فردی پریشان و گریان نباشد، هیچ کودکی غمگین، هیچ سفره‌ای خالی و چراغ هیچ خانه‌ای خاموش نباشد. در این گزارش پای درد و دل چند مددکار اجتماعی نشستیم، همگی شان از عشق به حرفه شان گفتند، از سختی‌ها و مشکلات کاری شان، از روزهای سیاه فعالیت هایشان که قلبشان را شکست و یا روزهایی که توانستند دل مددجویانشان را شاد کنند، برایشان مرهمی باشند. آن‌ها همیشه با تمام سختی‌ها و مشکلات پای مددجویانشان ایستادند و توانستند چراغی در دل تاریکی روشن کردند.

مددکاران اجتماعی چراغ عشق و شرافت را بر ایمان همچنان روشن نگاه داشته‌اند. آن‌ها در این روزگار پرهیاهو، هر روز مهربانی و محبت و از خودگذشتگی را یادمان می‌دهند. مددکارانی که برای قلب‌های پر در نیازمندان و آسیب‌دیدگان مرهمی از عشق و امید هستند. همان‌هایی که با صبر و آرامش، مشق ایثار و همدلی دارند. قلب پر مهر مددکاران اجتماعی آنقدر بزرگ است که هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را خسته و مایوس کند. آن‌هایی که ناامیدی نمی‌شناسند. از زنان و مردانی حرف می‌زنم که نه حرفه کاری شان بلکه راه و رسم زندگی شان فداکاری و عشق است. همان‌هایی که زندگی شان را وقف کمک به انسان‌ها کرده‌اند و برای غم و اندوه مددجویانشان



### زندگی ام را وقف مددجویانم کردم

نامش مهدیه اخگری است. ۳۸ سال دارد و کارشناس مسئول اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی استان تهران است. اخگری از همان روزهای دبیرستان و مدرسه می‌دانست که از زندگی اش چه می‌خواهد، می‌دانست که علاقه‌اش چیست و دوست دارد زندگی کاری اش به کدام سمت برود. وقتی زمان دانشگاه و کنکور رسید، رشته مددکاری اجتماعی را انتخاب کرد، با اینکه خانواده‌اش به او گفتند، روانشناس باش و یا مشاوره بخوان، اما تصمیمش این بود که مددکار باشد، دختر ۱۸ ساله‌ای که دوست داشت به آدم‌ها کمک کند، کرامت انسانی را بالا ببرد. خودش می‌گوید: «از همان بچگی می‌خواستیم، در حوزه‌های اجتماعی کار کنیم. در دوران مدرسه تحقیق کردم و فهمیدم رشته‌ای هست که روی خدمات اجتماعی کار می‌کند، با مشاوران مدرسه صحبت کردم و متوجه شدم این رشته هدفش کمک به هم‌نوع است و کارش اجتماع محور است. برای همین رشته مددکاری را انتخاب کردم. در آن زمان دو دانشگاه دولتی علامه و علوم بهزیستی این رشته را داشت و من هم توانستم، دانشجوی دانشگاه علوم بهزیستی شوم.» روزهای دانشگاه برای اخگری

روزهایی خاص بود. کلاس استادنش برایش عجیب و غریب بود. استادان از عشق به انسان‌ها می‌گفتند و از کمک به هم‌نوع. اینکه انسان‌ها با هم برابری و شما به عنوان مددکار اجتماعی باید به همه انسان‌ها عشق دهید. او یک سالی فقط روی مفهوم عشق تمرکز کرد، عشق مددکار به مددجو. اخگری از همان دوران دانشجویی به دنبال ساختن زندگی مددجویانش بود؛ همان‌هایی که درگیر اعتیاد و خشونت شده بودند. او مددکاری را رشته‌ای پر از هیجان می‌دانست که هیچ‌ایستایی ندارد. اینکه صبح به صبح باز دید از منزل کند و عصرها گزارش مددجویانش را بنویسد و در آخر هم با عشق و علاقه به دنبال حل مسأله باشد، خودش این چنین توضیح می‌دهد: «اگر عاشق نباشی نمی‌توانی مددکاری کنی، من عاشق کار مددکاری هستم و شما نمی‌دانید که چگونه برای حل مشکل یک مددجو با همه درگیر می‌شوم و تا آن را برطرف نکنم، شب‌ها راحت نمی‌خوابم.» در سال‌های بالاتر از تحصیل، وقتی کارورزی‌هایش شروع شد به زندان رفت، درگیر مشکلات دختران و پسران فراری شد، با مشکلات زنان سرپرست خانوار آشنا شد، مشکلات افراد معلول را پیگیری کرد و در بیمارستان به دنبال حل مشکل نیازمند بود. همه این کارها

را کرد و در آخر فهمید باید مددکار سازمان بهزیستی شود. اخگری در این باره بیشتر توضیح می‌دهد: «همان روزهایی که سر کلاس درس دانشگاه علوم بهزیستی می‌رفتم و در کنار بزرگان مددکاری اجتماعی الفبای کمک به هم‌نوع را یاد می‌گرفتم، همان جادو ذهنم نشست که وقتی فارغ‌التحصیل شدم، مددکار سازمان بهزیستی شوم. با اینکه پیشنهاد شغلی از دیگر سازمان‌ها داشتم اما همیشه دوست داشتم در سازمان بهزیستی خدمت کنم. الان هم اگر برگردم به گذشته دوباره همین سازمان را انتخاب می‌کنم. شاید باورتان نشود که خودم را این گونه معرفی می‌کنم، اخگری هستم، مددکار اجتماعی بهزیستی. هر جا بروم، می‌گویم که مددکارم. از نظرم مددکاری یعنی عشق به هم‌نوع و این کار زندگی من است، چون ۲۴ ساعته کار می‌کنم.»

اخگری هر روز با کودکان خیابانی، دختران فراری، کودکان در معرض آسیب جسمی، روانی، خشونت‌های خانگی و همسر آزاری، بحران‌های روحی، روانی و افسردگی، انواع اعتیاد و ده‌ها مشکل بزرگ و کوچک مواجه می‌شود، پای درد و دل تک‌تک مددجویانش می‌نشیند و خسته نمی‌شود.

این مددکار اجتماعی می‌گوید: «شما

فکر کنید ما هر روز با ده‌ها مشکل روبه‌رو هستیم بنابراین فرسودگی روانی و جسمی مددکاران اجتماعی بسیار بالاست. به نظرم خوب است که ما دوره‌های روانکاو داشته باشیم. برای اینکه بسیاری از مددکاران غیر از آسیب‌های جسمی درگیر مشکلات روحی هم می‌شوند. ما به خاطر شغلمان در خانه هم کار می‌کنیم. مثلاً من مدیر اورژانس اجتماعی هستم. کارم به گونه‌ای است که باید با تلفن پیگیر کارهای مددجویان باشم، من همیشه در خانه پای تلفن هستم. مشکلی هم ندارم چون مسئله مددجویان مهم است. اما خب لازم است ما هم روانکاو شویم.» اخگری در ۲۰ سالگی که در سازمان بهزیستی خدمت می‌کند، روزهای تلخ و شیرینی هم داشته است. روزهایی که از ته دل خندیده و یا عمیقاً غمگین شده و با همان حال خرابش سعی کرده که زندگی مددجویانش را بهتر کند، روایت این مددکار اجتماعی از روزهای سیاه و سفیدش اینچنین است: «یادم هست، که ۱۱ سال پیش به عنوان کارشناس در یکی از مراکز اورژانس اجتماعی کار می‌کردم. ماموریتی به ما گزارش شد؛ که مادری، کودک چند ماهه‌اش را آزار می‌دهد. مادر معتاد بود و توجه‌ای به نوزاد نداشت. برای بررسی به سمت خانه‌ای در جنوب



شهر تهران رفتیم. حیاط بزرگی بود که این مادر در یکی از اتاق‌هایش زندگی می‌کرد. وقتی رسیدیم مادر در اتاقش نبود و همسایه‌ها هم اعلام کردند که او را دیده‌اند که بدون فرزندش اتاق را ترک کرده است. وارد اتاق شدیم. اتاق به شدت کثیف و بهم ریخته بود. گوشه‌ای از اتاق وسایل مصرف مواد مخدر مادر به چشم می‌خورد. متوجه شدیم که نوزاد در اتاق نیست، شروع به گشتن کردیم. رختخواب‌ها گوشه‌ای از اتاق روی زمین ریخته شده بود. رختخواب‌ها را بلند کردم. جسد کودک زیر رختخواب‌ها بود. کودک خفه شده بود و مادر به خاطر اعتیادش نفهمیده بود. با اورژانس اجتماعی صحبت کردیم و ۱۱۵ آمد و اعلام کرد نوزاد چند ساعتی است که فوت کرده است. حال خراب شد و اصلاً نمی‌توانسم نفس بکشم. مادر باز داشت شد، اما کودک از دنیا رفت. او به روزهای خوب زندگی‌اش هم اشاره می‌کند: «خیلی خاطرات خوبی نداریم، اما وقتی مددجویان ما از آسیب رها می‌شوند برای ما شادی است. حال ما با حال آن‌ها خوب می‌شود.» با این همه از پشت تلفن اخگری خنده تلخی می‌کند و این حرف‌ها را می‌زند: «از او می‌پرسم وقتی حالتان بد می‌شود، چه می‌کنید: «از خدا کمک می‌خواهم؛ خلوت می‌کنم و قرآن می‌خوانم.»



**کارم به گونه‌ای است که باید با تلفن پیگیر کارهای مددجویان باشم، من همیشه در خانه پای تلفن هستم. مشکلی هم ندارم چون مسئله مددجویان مهم است. اما خوب لازم است ما هم روانکاو شویم.» اخگری در ۲۰ سالی که در سازمان بهزیستی خدمت می‌کند، روزهای تلخ و شیرینی هم داشته است**

### خیلی‌ها می‌پرسند، مددکاری اجتماعی یعنی چه؟

سمیرا حسینی راد، کارشناس ارشد روانشناسی است. ۱۵ سالی می‌شود که در سازمان بهزیستی کشور کار می‌کند، او دو سال طرحش را در دفتر شبه خانواده بوده و ۱۳ سالی هم در دفتر اورژانس اجتماعی کار کرده است. با اینکه رشته اصلی دانشگاهی‌اش روانشناسی است و تا مقطع کارشناسی ارشد هم این رشته را خوانده، اما به دلیل کمبود مددکار در سازمان بهزیستی با اشتیاق وارد این حرفه شده است. خودش می‌گوید، تفاوت چندانی بین مددکاری و روانشناسی نیست و برایش این مهم است که مددجویانش زندگی بهتری داشته باشند، حال در حرفه روانشناسی کار کند و یا مددکار اجتماعی باشد. حسینی راد می‌گوید: «زمانی که کارشناس روانشناسی بودم، برای طرحم وارد سازمان بهزیستی شدم و در دفتر شبه خانواده کار کردم. بعد از پایان طرحم، سازمان مصاحبه‌ای گذاشت تا مددکار برای اورژانس اجتماعی بگیرد من با علاقه شرکت کردم، مصاحبه و آزمون اولیه را دادم و وارد اورژانس اجتماعی شدم.» کار در اورژانس اجتماعی برایش سخت است، اما این سختی از سوی مددجویان به او تحمیل نمی‌شود، بلکه او دوست

دارد کارهایی برای بهتر زیستن مددجویانش انجام دهد، که قوانین و رفتار حرفه‌ای مددکاری دست و بالش را بسته است: «گروه هدف ما قشر آسیب‌دیده هستند، برخی از مراجعان سازمان، خدمات می‌خواهند، اما در بخش اورژانس اجتماعی، ما (مددکاران) میهمان ناخوانده خانه‌های مردم هستیم. خیلی از افراد هنوز پذیرش مددکاران را ندارند. برای همین کار مددکاری برای ما بسیار دشوار است. سختی‌های کار ما به سازمان مربوط نمی‌شود، خیلی از ارگان‌های دیگر اصلاً نمی‌دانند، مددکار اجتماعی کیست و چه کاری می‌کند، این در حالی است که سازمان بهزیستی خیلی تلاش کرده، با تبلیغاتی که می‌کند، مددکاری اجتماعی را در جامعه به خوبی معرفی کند، اما هنوز هستند کسانی که کار مددکاری را نمی‌شناسند و یا اگر هم بشناسند، همکاری چندانی با ما ندارند.»

این حرف‌ها را حسینی راد در حالی می‌زند که بسیاری از مردم هم اطلاعات چندانی درباره مددکاری ندارند. دغدغه اصلی حسینی راد هم پذیرش مردم از حرفه مددکاری اجتماعی است. در حقیقت شناخت محدود مردم از فعالیت‌های مددکار در جامعه، درک نشدن جایگاه واقعی این حرفه از سوی برخی از مردم و پرمخاطره بودن این



حرفه موجب شده تا روند کاری شان چندان دلخواه نباشد: «برخی از افراد می پرسند مددکاری اجتماعی یعنی چه؟ جامعه واقعاً پذیرای حضور کارشناسان ما نیست. ما از لحاظ ورود به برخی از مشکلات با بحران های بسیاری روبه رو می شویم. همچنین خیلی ها نمی دانند که ما ضابط قضایی نیستیم. ما در کارمان باید همکاری نزدیک کلاتری، دادسراها و پزشکی قانونی را داشته باشیم. اما در این چند سال که خودمان به عنوان مددکار شروع به کار کردیم به سختی با ارگان های مختلف ارتباط برقرار کردیم.»

سال هاست که مددکاران اجتماعی تلاش دارند تا فعالیت هایشان مورد توجه قرار بگیرد. این روزها با توجه به افزایش آسیب های اجتماعی خیلی



### مددکاری، همه اش زیبایی است

آن طور که این مددکاران گفتند، هدف اصلی مددکاران اجتماعی تأمین رفاه و افزایش سطح رضایتمندی افراد از زندگی شان است. بنابراین همه کارهایی که به زندگی بهتر و افزایش توانمندی و رفاه افراد منجر می شود، مورد حمایت مددکاران اجتماعی است و با این توصیف ها مددکاری اجتماعی یکی از محوری ترین حرفه های جامعه است. ندا باقری هم مددکار قسمت آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی است. ۴۷ سال دارد و ۲۲ سال است که در این سازمان کار می کند. او در حوزه های مختلف آسیب های اجتماعی کار کرده است. از اورژانس اجتماعی گرفته تا دفتر مداخله در بحران اجتماعی و یا خانه سلامت. باقری از همان دوران دبیرستان دوست داشت، به مردم خدمت کند، از کمک کردن به نیازمندان لذت می برد. خودش می گوید: «عشق کمک کردن

به هم نوع در وجودم است.» او این احساس کمک به دیگران را این گونه توصیف می کند: «این حس غیر قابل توصیف است. اصلاً نمی دانم درباره اش چه بگویم. یک احساس آرامش درونی دارم. آنقدر هم زیباست که زیبایی های دیگر به چشم نمی آید.»

کار اصلی باقری با کودکان و دختران خانه سلامت است. سال ها پیش بود که دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی تصمیم گرفت تا از دختران نیازمند حمایت کند. مدیران سازمان بهزیستی در آن سال ها اقدام به ایجاد خانه های سلامت کردند. هدف این خانه ها این بود که از دختران تحت خشونت حمایت و نگهداری کنند تا زمانی که آن ها به استقلال و خودکفایی فردی و اجتماعی برسند. آنطور که باقری می گوید، اهداف این مراکز جلوگیری از ابتلای دختران در معرض آسیب به آسیب های اجتماعی، حمایت و نگهداری از دختران در معرض آسیب

اجتماعی نیازمند حمایت اجتماعی، فراهم شدن زمینه های تحصیل، اشتغال، خودکفایی و استقلال این افراد، شناخت استعدادها و توانمندی های دختران در معرض آسیب و هدایت آن ها است. باقری از این کارش با دختران و کودکان لذت می برد. دخترانی که به خاطر مشکلات خانوادگی و یا پرخاشگری والدین در محیط خانه بطور موقت و یا دائم در خانه سلامت زندگی می کنند. این مددکار اجتماعی معتقد است: «دختران ۱۴ تا ۱۸ ساله در مرکز سلامت زندگی می کنند. زمانی برایم کارم قشنگ تر می شود که این دختران به یک جا برسند. وقتی کنکور قبول می شوند، دخترانی که ازدواج می کنند و برایشان جهیزیه تهیه می کنم و یا دخترانی که مستقل می شوند، برایشان وسایل خانه می خرم. این کارها قشنگ است و هر کدامش برای ما زیبایی دارد.» باقری کارش را عشق توصیف می کند، هیچ

واژه ای برای کارش پیدا نمی کند. درست هم می گوید اینکه هر روز دلی را شاد کنی و قلبی را آرام کنی، خودش عشق است: «این کار سختی برایم ندارد، فقط محدودیت هایی که به صورت قانونی ایجاد می شود، خودش سختی است. مثلاً دختری می گوید، می خواهد کلاسی ثبت نام کند که ما محدودیت ثبت نام آن کلاس را داریم و یا دوست دارم برای خانواده ای خانه ای مناسب تر تهیه کنم، اما نمی توانم.»

این مددکار اجتماعی از حرف های اطرافیانش می گوید، از اینکه خیلی می شنود که به او می گویند، چگونه می توانی، حرف های غمگین دیگران را گوش دهی؟ چگونه می توانی همیشه این همه تلخی را ببینی؟ جواب باقری به همه این حرف ها این است: «عشق به کارم. شما باور نمی کنید وقتی هم حالم بد می شود، پیش دختران در خوابگاه می روم و با آن ها حرف می زنم. همین صحبت با دختران حالم را خوب



**مددکاران اجتماعی  
حقوق کمی دارند، این  
را همگان می دانند،  
اصلاً وقتی صحبت  
از حقوق و مزایا شد،  
حسینی رادمی خندد  
و می گوید: «اگر عاشق  
حرفه مددکاری نبودیم  
با این حقوق دوام  
نمی آوردیم.»**

شما صحبت کردم و فقط یک موضوع ما را در اینجا نگه داشته است و آن عشق به کارمان است. راستش را بگویم من عاشق مددکاری هستم.»  
تلخ ترین و شیرین ترین خاطره را هم از حسینی راد پرسیدم، چند ثانیه ای پشت خط سکوت می کند و سؤال مرا تکرار می کند، در نهایت می گوید: «خاطره خوبی که در این سال ها نداشتم. اما تا دلتان بخواهد خاطراتم تلخ است. حالا باید در بین این همه خاطرات تلخ یکی را انتخاب کنم. راستش یک پرونده ای به دستم رسید، پسر ۴ ساله تحت خشونت خانگی پدر قرار گرفت. من آن روزها خیلی ناراحت بودم. همه اش پیش خودم می گفتم این مرد با این همه خشونت می خواهد دوباره به جامعه برگردد.»

معرفی کردند. موضوعی که حسینی راد درباره اش اینچنین توضیح می دهد: «متأسفانه خیلی ها که این رشته را نمی شناسند خود را مددکار اجتماعی می دانند و بعضاً هم شاهد هستیم خدماتی که ارایه می دهند اصلاً با اصول مددکاری همخوانی ندارد. فکر می کنم باید به این موضوع هم رسیدگی شود.»  
مددکاران اجتماعی حقوق کمی دارند، این را همگان می دانند، اصلاً وقتی صحبت از حقوق و مزایا شد، حسینی راد می خندد و می گوید: «اگر عاشق حرفه مددکاری نبودیم با این حقوق دوام نمی آوردیم.»  
از او می پرسم که خوشحال است که یک مددکار اجتماعی شده، مکتی می کند و با صدای رسا، می گوید: «بله، صد در صد. من درباره مشکلات کاری مددکاری با

از مددکاران می خواهند کنار مردم آسیب دیده باشند و دست آن ها را بگیرند اما جامعه انگار هنوز خواهان این موضوع نیست: «بسیاری از مردم فکر می کنند مددکار کسی است که فقط در بیمارستان حضور دارد تا در آنجا به بیماران نیازمند و یا همراهان افرادی که فوت می کنند، صحبت کند.»  
مشکلات مددکاران اجتماعی کم نیست، بیشتر مشکلاتشان از سوی خود مددکاران بارها مطرح شده، اما موضوع مهم، نادیده گرفتن مددکاران در تصویب بسیاری از قوانین مرتبط با این حرفه است، آن ها با اعلام کردند که به دلیل نبود سازمان نظام مددکاری، پشتوانه شغلی قوی در این حرفه ندارند و افراد عادی و غیر متخصص خود را همیشه مددکار اجتماعی



از باقری هم درباره تلخی هایی که در کارش دیده می پرسم، او هم مثل خانم اخگری، خانم حسینی راد، چند ثانیه مکث می کند و می گوید: «تلخی زیاد دیده ام. چند سال پیش یک مادر کارتن خواب بچه ای به دنیا آورد. مادر آنقدر معتاد بود که متوجه زایمانش نشد، ما هم کودک را از مادر گرفتیم و به مراکز خودمان بردیم. دلم هنوز که هنوز است پیش آن کودک است. همیشه به این کودکان و سرنوشت هایشان فکر می کنم. راستش برایم سخت است که ببینم کودکی از مادرش جدا شده، ما سرنوشت های تلخی از این کودکان دیده ایم. همیشه هم دوست دارم کودک در کانون خانواده اش باشد. خودم شخصاً در این باره خیلی تلاش کردم.» این مددکار اجتماعی هم مثل دیگر همکارانش روزها و خاطرات خوشی از کارش نداشت. کارش مثل دیگر مددکاران پر کردن غم ها و اندوه هاست.

چقدر انسان های خوبی کنارم بودند که در زندگی شخصی ام کمک کردند. من با این کار زندگی می کنم. اصولاً خودم معتقدم که بابت این خدماتی که ارایه می دهم نباید پولی دریافت کنم؛ چون خداوند درهایی را برایم باز کرده که بسیار قیمتی تر و با ارزش تر از پول بوده است. همیشه هم گفته ام این لطف خداوند بوده که من یک مددکار شدم.»

می کند. راستش به این اعتقاد دارم وقتی دست کسی را می گیری. گوشی برای درد و دل دیگران که می شوی، خودش برکت و شادی برایت می آورد. ما مددکاران حقوق کمی می گیریم، اما شما نمی دانید همین حقوق کم چقدر برکت دارد. من به این جمله که می گویند، زمین گرد است بسیار اعتقاد دارم، شما باورتان نمی شود که چقدر درهای بسته برای من باز شده،



**دختران ۱۴ تا ۱۸ ساله  
در مرکز سلامت زندگی  
می کنند. زمانی برایم  
کارم قشنگ تر می شود  
که این دختران به یک  
جابرند**





روایت کرده که از زبان مخاطبش شنیده است. یکی از همین روایت‌های خواندنی و البته نوشته نشده ماجرای زندگی است. روایت او را باید بیش از دیگران شنید. نه اینکه با داستان‌هایی که تا به حال شنیده یا خوانده‌اید، فرق می‌کند، نه! چون زندگی مرتضی بیشتر شبیه رمان‌های چند صفحه‌ای پر ماجرای است که وقتی دستتان می‌گیرد به همین راحتی‌ها زمین نمی‌گذارد. شنیدن اینکه یک نفر از دوران کودکی، صدها اتفاق و ماجرای عجیب و غریب را پشت سر گذاشته برای هر کسی قابل هضم نیست...

رمان‌هایی که از داستان‌های واقعی برداشت شده‌اند را خوانده‌اید؟ شاید آن لحظه که غرق در سرنوشت شخصیت‌های اصلی شده‌اید یا خودتان گفته‌اید نه! مگر امکان دارد یک نفر چنین زندگی سختی را پشت سر گذاشته باشد؟ یا شاید هم که کمی جلوتر رفته‌اید و با نویسنده هم‌ذات‌پنداری کرده‌اید بگویند حتماً اغراق کرده است! اما برخی زندگی‌ها و روایت‌های واقعی دقیقاً شبیه خیلی از قصه‌های تخیلی است. نویسنده نه اغراق کرده و نه می‌خواسته حس ترحم و دلسوزی شما را برانگیزد؛ فقط داستانی را

گزارش روایت زندگی یک کارآفرین موفق

## از دستفروشی در خیابان‌ها تا کارآفرینی آنلاین

می‌توانیم همه چیز را به نفع خودمان تغییر دهیم



**مرتضی می‌گوید**  
**یک سال را در کنار**  
**پدرش دستفروشی**  
**کرده و چون جایی**  
**برای زندگی**  
**نداشته اندر روی یک**  
**کارتن دو نفره در**  
**خیابان‌های تهران**  
**می‌خوایده‌اند**

آوارگی مرتضی البته به همین جا ختم نمی‌شود. می‌گوید یک روز که در خیابان مشغول دستفروشی بودم، یک نفر آمد جلو، دستش را روی شانه‌هایم کشید و گفت تنهایی؟ به پدرم که اشاره کردم منتظر ماند تا از خماری در بیاید، بعد چند دقیقه‌ای با پدرم صحبت کردند و مرد رو به من گفت: «وسایلت را جمع کن و با من بیا...» زندگی دوم مرتضی از همین روز وارد فاز جدیدی می‌شود. نه اینکه فکر کنید یک پدر رویایی او را به قصر آرزوهایش برده است، نه! از این خبرها نیست. اما ماجرای بدبختی و گرسنگی و در خیابان ماندن و سرمای استخوان‌سوز و گرمای

مرتضی یکی از همین‌هایی است که حالا دور و برمان زیاد می‌بینیم، مخصوصاً آن‌هایی که با شیشه‌شور به جان شیشه خودروهاییمان می‌افتند و بدجور کلافه‌مان می‌کنند. مرتضی می‌گوید یک سال را در کنار پدرش دستفروشی کرده و چون جایی برای زندگی نداشته‌اند روی یک کارتن دو نفره در خیابان‌های تهران می‌خوایده‌اند. یک سال که می‌گذرد به خاطر اعتیاد پدرش آواره این خانه و آن خانه و آشنای دور و نزدیک می‌شود، اما کم‌کم حتی مادر بزرگ یا به قول خودش ننه هم او را پس می‌زند و هیچ کس حاضر نیست حتی یک ساعت او را پیش خودش نگه دارد...

روایت زندگی مرتضی از زمانی شروع می‌شود که ۳-۴ ساله است... یعنی به قول خودش قبل ترها را یادش نیست. نمی‌داند از وقتی که به دنیا آمده، کجا بوده یا با چه کسی بوده است. برای من از زمانی صحبت می‌کند که با پدرش کارتن خوابی می‌کرده و شغلش از همان سه سالگی دستفروشی بوده است. شبیه مرتضی را البته خیلی‌ها ایمان این روزها سر چهارراه‌ها یا روی پل‌های عابر پیاده و کنار اغذیه‌فروشی‌ها و گل‌فروشی‌ها هم دیده‌ایم، اما شاید ۱۰ سال و ۲۰ سال آینده هیچ کدامشان برایمان چندان جذاب نبوده و به قصه زندگی‌شان هم توجه نکرده‌ایم. اما



**عصرها دانشگاه درسی  
می خواند و صبح ها هم در  
انباری در مرکز نگهداری  
خودشان کار می کند. مرتضی  
این روزها بیشتر از همیشه به  
کسب و کار آنلاین خودش فکر  
می کند.**

تا قبل از اینکه با آقای حبیبی (مدیر مرکز) آشنا شود، چندان انگیزه و اراده برای تغییر مسیر زندگی اش نداشته، اما حالا ذهنش و قلبش پر از ایده و طرح و برنامه است. عصرها دانشگاه درس می خواند و صبح ها هم در انباری در مرکز نگهداری خودشان کار می کند. مرتضی این روزها بیشتر از همیشه به کسب و کار آنلاین خودش فکر می کند. می گوید یک زمانی آرزو داشته تا کارمند شود و حقوق بگیر شود، اما حالا به زندگی کارمندی هم راضی نیست. می خواهد تجارت کند و برای خودش برو بیایی داشته باشد.

این همه انگیزه و شور و هیجان را مدیون مدیر مرکزی است که بعد از سال ها به آنجا سپرده شده، مرتضی می گوید آقای حبیبی زندگی من را عوض کرده است. دلم می تپد برای دیدن هر روز هاش. به او قول دادم که از مرتضی بی دست و پا دیگر خبری نیست. می خواهم برای خودم کسی شوم و او به من افتخار کند. مرتضی حالا یک دانشجوی موفق کامپیوتر هم حساب می شود. مهارتی که حالا دارد به این سادگی ها بدست نیامده است. خودش کم کم به کامپیوتر علاقه مند شده و فهمیده در این زمینه استعداد دارد. در مرکز بهزیستی هم یک نفر که در یکی از شرکت های معروف تهران کار می کند، هفته ای چند ساعت برایشان کلاس می گذارد و آموزش می دهد. مرتضی می گوید

تن سوز آسفالت های کف خیابان هم برای مرتضی تمام می شود. مرد که سه دختر دارد به هوای پسر داشتن مرتضی را پیش خودش می برد، اما یک سال نگذشته، فشار زندگی و بار مالی سنگین هزینه ها، یا بخوانیم همان دست سرنوشت، روایت مرتضی را به جای دیگری می برد... مرتضی می گوید وقتی من را به پدرم تحویل دادند، فهمیدم دوباره به یک سال قبل برگشتم. اما دلم نمی خواست، آن زندگی سگی دوباره تکرار شود. برای همین پیشنهاد دادم تا بروم بهزیستی، مثل دو برادرم که سال ها قبل وارد بهزیستی شده بودند.»

حدوداً ۷ ساله است که وارد بهزیستی می شود. مرتضی را به یکی از مراکز حاشیه تهران می سپارند. خودش از مرور خاطرات آن روزها راضی نیست. می گوید فشار زیادی را تحمل کردم. چون مدیران مرکز سخت گیر بودند و اجازه نمی دادند مرادوات اجتماعی زیادی داشته باشیم. اما همین سختگیری ها از مرتضی یک شاگرد درس خوان می سازد. خودش می گوید به اجبار درس می خواندم که البته بعدها به نفعم تمام شد. چند سال بعد مرتضی به مرکز دیگری منتقل می شود. تمام خاطرات شیرینش از همین جا آغاز می شود. پای حرف های مرتضی که می نشینید با غرور عجیب و صدای بلند و رسا از رویاهایی می گوید که در این مرکز در سرش افتاده است.

**حدوداً ۷ ساله است  
که وارد بهزیستی  
می شود. مرتضی را به  
یکی از مراکز حاشیه  
تهران می سپارند.  
خودش از مرور  
خاطرات آن روزها  
راضی نیست**

حالا در رشته خودش خیلی پیشرفت کرده و حتی برای اینکه جلوتر رود هم به یکی از مراکز فنی تهران رفته و مدرک کامپیوتر جدا گرفته است. او می گوید من از کودکی زندگی سختی داشتم. شاید اگر بهزیستی نمی آمدم حالا در یکی از همین خیابان های تهران دستفروش بودم و تمام دغدغه ام این بود کجا بخوابم یا چطور شکم را سیر کنم. اما حالا برای خودم مهندسی شده ام و آنقدر انگیزه دارم که می خواهم کسب و کار خودم را جلو ببرم. چون فهمیده ام زندگی آدم ها قرار نیست همانی باشد که از ابتدا بوده، ما می توانیم همه چیز را به نفع خودمان تغییر دهیم.»

# افزایش ۴۰ درصدی حق پرستاری و یارانه مراکز غیر دولتی در سال ۱۴۰۲



**هر توانخواه نیازمند در مرکز روزانه آموزشی توانبخشی معادل دو میلیون و ۲۷۰ هزار تا دو میلیون و ۵۶۰ هزار تومان و فررداری اختلال طیف اتیسم در مراکز روزانه از کمک هزینه سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بهره‌مند خواهند شد**

هدف دارای خانواده، چهار میلیون و ۶۲۰ هزار تومان تا پنج میلیون و ۴۰ هزار تومان برای افسراد مجهول‌الیهویه و فاقد سرپرست از سوی سازمان بهزیستی به عنوان کمک هزینه پرداخت می‌شود. وی همچنین در خصوص مراکز روزانه گفت: هر توانخواه نیازمند در مرکز روزانه آموزشی توانبخشی معادل دو میلیون و ۲۷۰ هزار تا دو میلیون و ۵۶۰ هزار تومان و فررداری اختلال طیف اتیسم در مراکز روزانه از کمک هزینه سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بهره‌مند خواهند شد. معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور ادامه داد: برای افراد بهره‌مند از خدمات تخصصی توانبخشی در منزل، کمک هزینه به مبلغ یک میلیون و ۲۲ هزار تومان و برای افراد برخوردار از خدمات مراقبت در منزل، کمک هزینه به مبلغ دو میلیون و ۱۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. عباسی گفت: با اهتمام دولت مردمی در سال ۱۴۰۲ برای اولین بار شاهد تصویب کمک هزینه و پرداخت براساس مصوبه جدید در ماه سوم سال خواهیم بود.

معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان در تاریخ فروردین ماه سال جاری مبنی بر تسریع در اجرای حکم تبصره ۱ ماده ۷ قانون حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۹۶) تا پایان اردیبهشت ماه، پیش‌نویس تصویب نامه با قید دو فوریت در تاریخ اول خرداد ماه امسال توسط وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سیر مراحل قانونی تصویب قرار گرفت و در جلسه ۱۰ خرداد ماه سال جاری هیئت وزیران تصویب شد. معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور گفت: براساس این تصویب نامه افراد دارای آسیب نخاعی و افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید از حمایت حق پرستاری به مبلغ دو میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بهره‌مند می‌شوند. عباسی افزود: به‌ازای هر توانخواه نیازمند مقیم در مراکز شبانه‌روزی توانبخشی، براساس درجه ارزشیابی مرکز، ماهانه معادل سه میلیون و ۷۸۰ هزار تا چهار میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای گروه

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور از افزایش ۴۰ درصدی تعرفه‌های حق پرستاری و کمک هزینه ارائه خدمات توانبخشی در مراکز غیردولتی تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۴۰۲ خبر داد. فاطمه عباسی با اعلام این خبر گفت: پیرو ابلاغ بودجه سال ۱۴۰۲ کشور به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، این معاونت براساس تبصره یک ماده ۷ قانون حمایت از افراد دارای معلولیت با تشکیل جلسه‌ای با حضور نمایندگان انجمن عالی مراکز غیردولتی، نماینده سازمان برنامه و بودجه، نماینده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نمایندگان دفاتر تخصصی سازمان بهزیستی نسبت به تعیین میزان کمک هزینه یارانه مراکز غیردولتی اعم از مراکز مراقبتی، مراکز روزانه، خانه‌های حمایتی، حق پرستاری، ویزیت و مراقبت در منزل و حق پرستاری با سقف افزایش ۴۰ درصد از تاریخ اول فروردین سال جاری با توافق تمام اعضاء اقدام کرد. وی افزود: با توجه به دستور مؤکد

## بهره‌مندی بیش از ۲ هزار کودک کار از خدمات آموزشی و توانمندسازی بهزیستی



توسعه مراکز نگهداری این کودکان از جمله برنامه‌های اولویت‌دار بهزیستی می‌باشد و تلاش داریم تا یک مرکز شبانه‌روزی را در شهر زابل، که گلگاه ورود این کودکان به کشور است، راه‌اندازی کنیم



یادآور شد: بحث کودکان کار و خیابانی به یک هم‌افزایی، همراهی و همدلی بین دستگاه‌های متولی نیاز دارد و بهزیستی به عنوان یک سازمان حمایتی تکالیفی بر عهده دارد که باید آن‌ها را انجام دهد، اما بحث جمع‌آوری کودکان کار بر عهده این سازمان نبوده و تنها در زمینه شناسایی و حمایت‌های اجتماعی، وظایفی براساس قانون را عهده‌دار است.

وی خاطر نشان کرد: موضوع کودکان کار و خیابانی مساله بسیار پیچیده‌ای است که باید ریشه‌ای برطرف شود.

وی با اشاره به فعالیت مراکز روزانه و شبانه‌روزی بهزیستی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، تصریح کرد: توسعه مراکز نگهداری این کودکان از جمله برنامه‌های اولویت‌دار بهزیستی می‌باشد و تلاش داریم تا یک مرکز شبانه‌روزی را در شهر زابل، که گلگاه ورود این کودکان به کشور است، راه‌اندازی کنیم. موسوی تاکید کرد: آمار دقیقی از کودکان خیابانی نداریم اما در حال حاضر بیش از ۲ هزار کودک کار در کشور از خدمات آموزشی و توانمندسازی بهزیستی بهره‌مند هستند.

سرپرست معاونت امور فرهنگی و اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: هم‌اکنون ۶۰ تا ۸۰ درصد کودکان خیابانی و کار جامعه را اتباع بیگانه تشکیل می‌دهند که این میزان در برخی از استان‌های کشور تا ۹۰ درصد هم می‌رسد.

مهری سادات موسوی عوامل اجتماعی و اقتصادی، مهاجرت، فقر، اعتیاد و طلاق را از مهمترین دلایل وجود کودکان و نوجوانان کار خیابانی دانست و افزود: سازمان بهزیستی به عنوان یکی از متولیان اصلی در شناسایی و ساماندهی چنین افرادی در جامعه است.

وی با بیان اینکه بهزیستی به تنهایی قادر به شناسایی و ساماندهی این کودکان در جامعه نیست، اظهار کرد: بسیاری از این کودکان به صورت قاچاق وارد کشور شده و بدون هویت وزارت اقامتی به سر می‌برند. به گفته موسوی، این دسته از کودکان به سبب نداشتن کارت هویتی و مجوز اقامت برابر مقررات و قوانین از دریافت خدمات حمایتی نیز محروم هستند.

وی با تاکید بر ضرورت همراهی و همکاری بیشتر سایر نهادهای متولی،

روایتی از یک زن کار آفرین موفق که برای رسیدن به اهدافش با بیماری اش جنگید

## یک روز تاجر فرش می شوم

این‌ها را با خنده می‌گویید، انگار نه انگار سرنوشت لیلا مثل هزاران زنی است که در برابر نداری، تنهایی و بی‌کسی‌شان ایستادند، از همین تنهایی قدرت گرفتند و زندگی‌شان را با عشق و علاقه پیش بردند. لیلا، لیلا داستان ما با اینکه ماجراهای عجیب و دردناکی را پشت سر گذاشته، اما تا اینجای زندگی اش تسلیم نداری، بیماری و تنهایی نشده است. او وقتی ۲۷ سال داشت، از دواج می‌کند. چند ماه بعد از ازدواجش هم باردار می‌شود، پسری به دنیا می‌آورد، در همان دوران بارداری و خبرهای خوش پسردار شدنش، می‌فهمد که مبتلا به سرطان روده شده و البته یک بیماری شدید خونی هم دارد. بعد از به دنیا آمدن پسرش، دارو درمانی شروع می‌شود و پیگیری درمان و شیمی درمانی می‌شود: «دوران سختی بود. اوایل بیماری، همسر می‌گفت که از قبل می‌دانستم که مریض هستم با او ازدواج کردم تا او پول درمان را بدهد؛ اصلاً هزینه درمان را پرداخت نمی‌کرد، خیلی مشکل داشتیم.» از همان روزهای اول بیماری درگیری او با همسرش هم شروع می‌شود، همسرش بارها و بارها به خاطر بیماری سرطان سرزنش کرد. یک سالی گذشت و لیلا در اوج بیماری و سختی می‌فهمد که هیچ وجه اشتراکی با همسرش ندارد، او مردی بود که به لحاظ اعتقادی، رفتاری، باورها و راه و روش زندگی، زمین تا آسمان با لیلا فرق داشت. برای همین تصمیمش را می‌گیرد از همسرش جدا می‌شود. درد بیماری، شیمی درمانی و پروسه طلاق یک طرف ماجرا بود، طرف دیگر داستان، خانواده لیلا بود که با شنیدن ماجرای طلاقش طردش کردند. خودش می‌گوید: «وقتی به خانواده‌ام گفتم که می‌خواهم جدا شوم، خیلی بد رفتاری کردند و گفتند از خانه بیرون بروم. حتی وقتی فهمیدند که بیماری خونی دارم، می‌ترسیدند با من در تماس باشند، باورشان نمی‌شود داخل بشقاب من غذایی خوردند، فکر می‌کردند بیماری‌ام ویروس دارد.»

این‌ها را با خنده می‌گویید، انگار نه انگار از عزیزانش این رفتار را دیده است، برای او اصلاً رفتارهای خانواده‌اش هیچ اهمیتی ندارد، او از همان روزهای مریضی فقط به درمان و زندگی پسرش فکر می‌کرد: «تنها دلیل زندگی‌ام پسر است. من تا اینجای زندگی برای پسرم جنگیدم.» او بعد از جدا شدنش از ملایر به شهر اراک می‌رود تا چند وقتی در خانه دوستش زندگی کند. لیلا با کودکی در آغوش و درد بیماری به سمت خانه رفیق صمیمی‌اش می‌رود، دو روزی آنجا می‌ماند و می‌فهمد که در این خانه هم میهمانی ناخوانده است، او درباره روزهای تنهایی و بی‌کسی بعد از طلاق اینچنین می‌گوید: «خانواده‌ام که مرا قبول نمی‌کردند، حتی زمانی که پیششان بودم، نمی‌گذاشتند که به بچه‌هایشان دست بزنم. خیلی بد رفتاری دیدم. در شهر اراک دوستی داشتم فرهنگی بود و یک هفته‌ای از خانه معلم برایم جا گرفت، یک هفته که تمام شد نمی‌دانستم کجا بروم تا اینکه دوستم گفت بروم خانه‌شان. اما آنجا هم برای زندگی من مناسب نبود. دو روزی آنجا بودم و فهمیدم در اینجا میهمان ناخوانده هستم.» لیلا به سمت ایستگاه اتوبوس رفت و چند ساعتی آنجا ماند تا ببیند چه کاری می‌تواند، انجام دهد، هوا که به سمت تاریکی رفت، لیلا معنای واقعی بی‌پناهی و بی‌کسی را حس کرد: «بچه‌ام بی‌تابی می‌کرد. نمی‌دانستم چه کاری باید انجام دهم. تا اینکه یک آقای به سمت آمد و گفت که مغازه‌اش روبه‌روی این ایستگاه اتوبوس است. او مرا به داخل مسجدی برد و خانم آن مسجد انباری مسجد را برایم آماده کردند. خدا خیلی دوستم داشت که توانستم با این زن و شوهرش آشنا شوم. برایم وام گرفتند و من توانستم اتاقی اجاره کنم. در همان اراک کلاس قالی‌بافی رفتم و مدرک فرش را گرفتم.» لیلا چند تابلو فرش می‌بافد و در همان شهر می‌فروشد، همزمان کار درمانش را هم پیگیری می‌کرد تا اینکه دکتر به او می‌گوید

بچه‌ام بی‌تابی می‌کرد، نمی‌دانستم چه کاری باید انجام دهم. تا اینکه یک آقای به سمت آمد و گفت که مغازه‌اش روبه‌روی این ایستگاه اتوبوس است. او مرا به داخل مسجدی برد و خانم آن مسجد انباری مسجد را برایم آماده کردند. خدا خیلی دوستم داشت که توانستم با این زن و شوهرش آشنا شوم

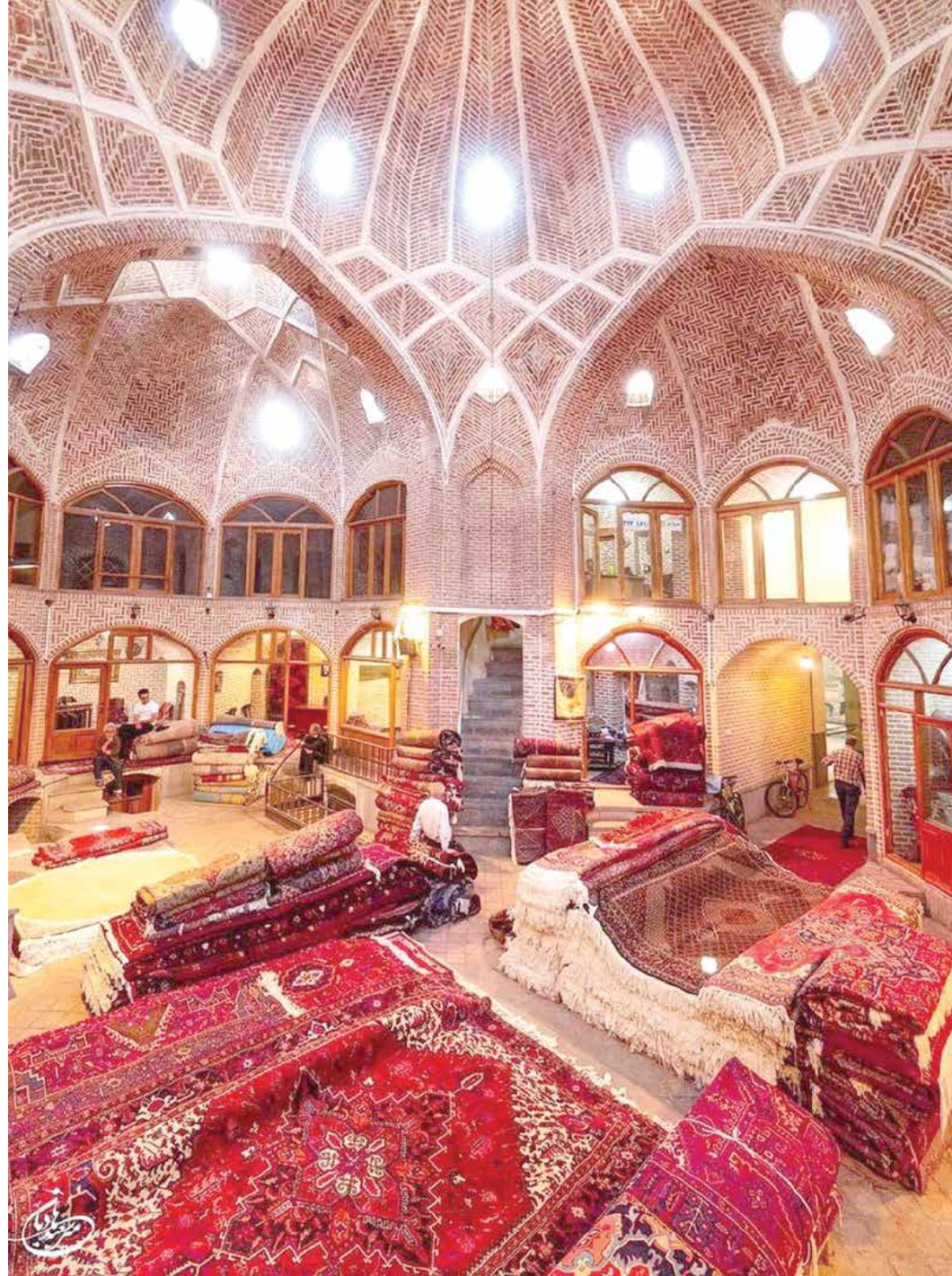




همه کارهای خانه با  
پسر م است. خودش  
مدرسه می رود و  
کارهایش را هم خودش  
انجام می دهد. او  
نقطه ای روشن در  
زندگی تیره و تارم شده،  
خودم هم اهدافی دارم.  
خستگی و درد و درمان  
برایم معنای ندارد.  
هدفم تجارت است.  
می دانستم که یک روز به  
آرزویم می رسم

فرش دانشگاه تهران است و در کنارش توانست یک کارگاه ۳۲ متری تاسیس کند، کارگاهی با تمام تجهیزات، لیلا سعدی درباره آرزوها و اهدافش می گوید: «به لطف خدا و حمایت های سازمان بهزیستی توانستم این کارگاه را قبل عید راه اندازی کنم. سرانجام بعد از ده سال تلاش توانستم به هدفم برسم و بسیار هم خوشحالم.» لیلا وقتی کارگاهش را می زند دست زنان مثل خودش را می گیرد تا از غم و اندوه و افسردگی نجاتشان دهد، زنان سرپرست خانواری که در کنار لیلا داستان ما کار یاد گرفتند و زندگی شان را سر و سامانی دادند. سعدی در این باره می گوید: «خیلی از خانم ها پیشم آمدند که داستان های غم انگیزی داشتند، نمی توانستم درد و نداری شان را ببینیم برای همین تصمیم گرفتم به این زنان کمک کنم. کار یادشان دادم. دلمان نمی خواهد آن سختی هایی که کشیدیم را آن ها بکشند. به ۱۷۳ زن آموزش بافندگی دادم و حدود ۴۰ نفر از این خانم ها برای خودم کار می کنند. تا حالا هر چیزی که از خدا خواسته ام گرفتم.

حالا هم تجارت می خواهم.» لیلا می گوید دوست دارم یک زن تاجر باشم. می خواهد قالیچه و فرش هایش را به خارج از ایران صادر کند. امید دارد و دلش روشن است که می تواند. او تمام این سال ها با امید به زندگی و رسیدن به اهدافش با بیماری و سرنوشتش جنگیده است.



زندگی را دوست دارم. در این مدت پسر م را جوری بزرگ کردم که نیازی به من نداشته باشد، همه کارهای خانه با پسر م است. خودش مدرسه می رود و کارهایش را هم خودش انجام می دهد. او نقطه ای روشن در زندگی تیره و تارم شده، خودم هم اهدافی دارم. خستگی و درد و درمان برایم معنای ندارد. هدفم تجارت است. می دانستم که یک روز به آرزویم می رسم.» لیلا نشان داد که آدم کم آوردن نیست، آدم نشستن و نگاه کردن به مشکلات هم نیست، همین تلاش ها بود که موجب شد او به آرزوی همیشگی اش برسد و حالا یک زن کارآفرین است. او درسش را ادامه داد و حالا دانشجوی

داشت، با همان حال بد بیماری، عوارض دارو و درمان به خانه که می رسید دار قالی اش را می بافت. برایش مهم بود که کارهایش به روز باشد، که از پس خرج زندگی برآید. کودکش در تمام روزهای سخت زندگی قوت قلبش شده بود: «اگر پسر م نبود شاید نمی توانستم تحمل کنم.

فکر کنید در بیمارستان در حال شیمی درمانی بودم که دکتر وارد اتاق شد، از پرستار پرسید، مریض کجاست؟ گفتند ایشان است. گفت ایشان انگار دیوانه است با این مریضی در حال بافتن قالی در بیمارستان هم هست. من فقط می خندیدم و می گفتم، باید پسر م را به جایی برسانم، به خاطر پسر م و خودم

برای انجام دارو درمانی باید به تهران بیایید. وضعیت در ماننش جوری بود که اصلاً نمی توانست هر روز این همه راه را برود، لیلا سعدی درباره آمدنش به تهران می گوید: «وارد تهران شدم، مشکلاتم بیشتر هم شد، یک اتاق در جنوب شهر تهران اجاره کردم. هزینه ها خیلی بالا بود، برای همین من فقط قالی نمی بافتم. در خانه های مردم نظافت می کردم، بچه ها و سالمندان را ننگه می داشتم. راستش تا همین دو سال پیش در کنار بافتن فرش همه این کارها را کردم. من هم شیمی درمانی می شدم هم کار خانه های مردم را انجام می دادم. نان حلال به دست آوردن، برایم خیلی مهم بود.» لیلا با تمام دردهایی که

# تقدیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از خانواده نیکوکار مشهدی



مرتضوی:  
ایام مبارک دهه  
کرامت فرصت  
تجلیل از کسانی  
است که برای کاهش  
آلام نیازمندان  
پیش قدم می شوند.  
فرآیندهای  
فرزندخواندگی در  
سازمان بهزیستی با  
قید فوریت اصلاح  
شده است و تأکید  
داریم در این حوزه  
نهادهای مردمی  
مورد حمایت ویژه  
قرار گیرند



شرایطی که خود دارای فرزند بودند، شایسته تقدیر و قدردانی است.

وی گفت: در کنار این اقدام راه اندازی مجموعه‌ای مردمی برای ساماندهی و تسهیل روند فرزندخواندگی در استان خراسان رضوی با هدف گذاری شیرخوار گاه‌های بدون فرزند هم از دیگر اقدامات شاخص آنان است.

مرتضوی با تأکید بر روند مطلوب و رو به رشد نظام سلامت در کشور، افزود: غربالگری ژنتیکی نیز اقدام ویژه‌ای است که در کاهش جمعیت معلولین کشور کمک شایانی کرده است.

شاخص و اثربخش است، گفت: فرآیندهای فرزندخواندگی در سازمان بهزیستی با قید فوریت اصلاح شده است و تأکید داریم در این حوزه نهادهای مردمی مورد حمایت ویژه قرار گیرند.

مرتضوی افزود: در شیوه جدید با همکاری قوه قضاییه قبل از فرزندخواندگی امکان امانت‌سپاری فرزندان دارای شرایط خاص هم فراهم شده است.

وزیر رفاه با اشاره به استقبال گسترده خانواده‌های ایرانی از پذیرش فرزندان بی سرپرست، اظهار داشت: اقدام سخاوتمندانه خانواده عابدشاهی در مشهد در

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دیدار با عابدشاهی، پدر خانواده نیکوکار مشهدی در پذیرش سرپرستی سه فرزند دارای شرایط خاص، از اقدام ایشان در الگوسازی این امر مهم تقدیر کرد.

«سیدصورت مرتضوی» در دیدار با عابدشاهی پدر خانواده مشهدی که ۳ فرزند دارای شرایط خاص را به سرپرستی گرفته‌اند، اظهار داشت: ایام مبارک دهه کرامت فرصت تجلیل از کسانی است که برای کاهش آلام نیازمندان پیش قدم می شوند.

وی با بیان این که اقدامات صورت گرفته در سازمان بهزیستی

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور خبر داد؛

## توزیع حدود ۱۸ هزار سمعک در سراسر کشور



این وسیله ضروری و حساس، مکاتبات لازم با اداره کل تجهیزات پزشکی صورت گرفت که منجر به اقداماتی از قبیل اختصاص یافتن بخش عمده‌ای از سمعک‌های موجود و صدور حواله برای استان‌های سراسر کشور شد. این اقدام اثربخش منجر به تهیه و توزیع ۱۷ هزار و ۸۰۰ سمعک شده است که بخش قابل توجهی از نیازهای اساسی این افراد را تأمین کرده است. معاون امور توانبخشی بهزیستی کشور در پایان اظهار امیدواری کرد: با شناخت اهمیت موضوع از سوی نهادهای اثرگذار حوزه سلامت، نیاز افراد ناشنوا و کم‌شنوا در مسیر تلفیق اجتماعی و توانمندسازی این افراد و مطالبات به حق مددجویان تأمین شود.

وسيله كمكي ضروري براي افراد با اختلال شنوایی است افزود: عدم وجود چنین وسیله‌ای می‌تواند برای این افراد مشکلاتی همچون عدم ارتباط و مشارکت اجتماعی، افت



تحصیلی افراد ناشنوا و کم‌شنوا به ویژه دانش‌آموزان ایجاد کند. عباسی افزود: با توجه به اهمیت موضوع و پیگیری‌های مکرر از نهادهای مرتبط و با همکاری معاونت علمی و فن‌آوری ریاست جمهوری در جهت تولید داخلی

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور از تهیه و توزیع ۱۷ هزار و ۸۰۰ سمعک با پیگیری سازمان بهزیستی و همکاری معاونت علمی و فن‌آوری ریاست جمهوری در بین متقاضیان سراسر کشور در سال گذشته با هدف پاسخ به نیازهای افراد دارای معلولیت شنوایی خبر داد.

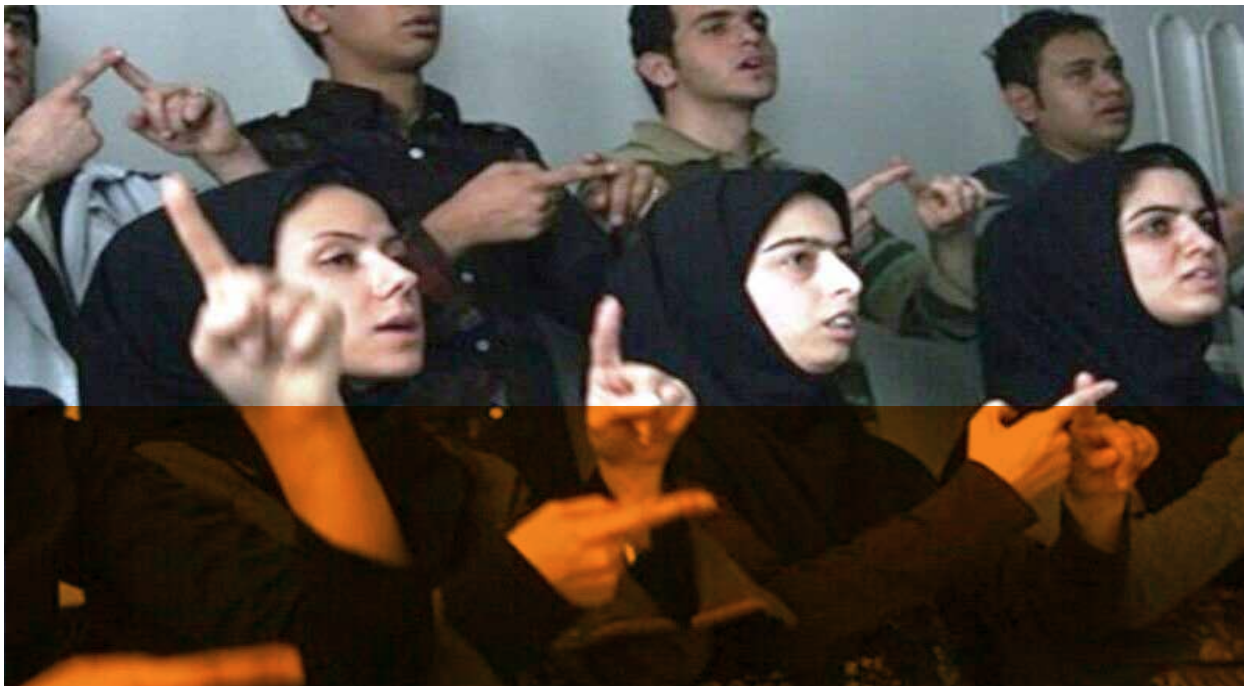
فاطمه عباسی معاون امور توانبخشی بهزیستی کشور با اعلام این خبر گفت: به دلایلی از جمله نبودن تولید داخلی و وابسته بودن به ارز ترجیحی، سازمان بهزیستی با چالش‌هایی در خصوص تأمین به موقع سمعک برای توانخواهان گروه هدف و کمبود شدید در بازار مواجه شده بود.

وی با اشاره به اینکه سمعک یک

باتوجه به اهمیت موضوع و پیگیری‌های مکرر از نهادهای مرتبط و با همکاری معاونت علمی و فن‌آوری ریاست جمهوری در جهت تولید داخلی این وسیله ضروری و حساس، مکاتبات لازم با اداره کل تجهیزات پزشکی صورت گرفت که منجر به اقداماتی از قبیل اختصاص یافتن بخش عمده‌ای از سمعک‌های موجود و صدور حواله برای استان‌های سراسر کشور شد. این اقدام اثربخش منجر به تهیه و توزیع ۱۷ هزار و ۸۰۰ سمعک شده است که بخش قابل توجهی از نیازهای اساسی این افراد را تأمین کرده است



# اعزام و تربیت مترجم ناشنوایان با مشارکت شبکه ملی تشکل‌های مردم‌نهاد



**تاکنون بالغ بر ۳۵۰ نفر مترجم متقاضی فراگیری زبان اشاره ایرانی در حال آموزش هستند و تعداد ۶۸۰۰ مورد اعزام مترجم برای پیگیری و رفع نیازهای ناشنوایان در سطح کشور صورت گرفته است**

برشمرد و تصریح کرد: تاکنون بالغ بر ۳۵۰ نفر مترجم متقاضی فراگیری زبان اشاره ایرانی در حال آموزش هستند و تعداد ۶۸۰۰ مورد اعزام مترجم برای پیگیری و رفع نیازهای ناشنوایان در سطح کشور صورت گرفته است. به گفته این مقام مسئول با توجه به گسترش روزافزون تقاضای این خدمت از طرف افراد دارای معلولیت شنوایی در سال جاری اهتمام خاصی با تمرکز به برنامه‌ریزی هدفمند در راستای ارتقای کیفیت فعالیت به عمل خواهد آمد و توسعه کیفی در دستور کار است.

افراد دارای معلولیت شنوایی در سال‌های اخیر خبر داد و گفت: این مهم به منظور زمینه‌سازی و افزایش دسترسی گروه ناشنوایان به فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و بهره‌مندی از امکانات مناسب برای ایفای نقش شهروندی تدوین شده است.

مدیرکل دفتر امور توانبخشی روزانه و توانپزشکی بهزیستی کشور هدف از اجرایی این طرح را تسهیل انجام امور روزمره ناشنوایان برای پیگیری حقوق فرد در نهادهای مختلف جامعه و آموزش مترجمان مورد نیاز آن‌ها در ایجاد ارتباط بهینه با مبادی مورد مراجعه

مدیرکل دفتر امور توانبخشی روزانه و توانپزشکی بهزیستی کشور از اعزام و تربیت مترجم ناشنوایان با مشارکت شبکه ملی تشکل‌های مردم‌نهاد افراد دارای معلولیت شنوایی در سال‌های اخیر خبر داد و گفت: تاکنون ۶۸۰۰ مورد اعزام مترجم برای پیگیری و رفع نیازهای ناشنوایان در سطح کشور صورت گرفته است.

«رامین رضایی» مدیرکل دفتر امور توانبخشی روزانه و توانپزشکی بهزیستی کشور از اعزام و تربیت مترجم ناشنوایان با مشارکت شبکه ملی تشکل‌های مردم‌نهاد



# تنها فرزند پسر سالم در خانواده‌های دارای فرزند معلول شدید از خدمت سربازی معاف می‌شود

سازمان وظیفه عمومی فراجا در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: تنها فرزند پسر سالم در خانواده‌های دارای فرزند معلول شدید از خدمت سربازی معاف می‌شوند.

سازمان وظیفه عمومی فراجا، در اطلاعیه‌ای آورده است: در راستای حمایت از خانواده‌های دارای فرزند معلول و برابر ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح، معافیت تنها فرزند پسر سالم خانواده‌های دارای فرزند معلول شدید، به ماده ۶ قانون جامع حمایت از معلولان افزوده شد. در ماده ۶ قانون خدمت وظیفه عمومی یکی از فرزندان پسر

به واسطه معلولیت پدر یا مادر و با دو فرزند معلول خانواده از خدمت دوره ضرورت معاف می‌شوند که معافیت یادشده نیز به این ماده افزوده شده و واجدین شرایط می‌توانند با تاییدیه سازمان بهزیستی از طریق یکی از دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس +۱۰) محل سکونت برای ثبت درخواست خود اقدام و از رده وظیفه عمومی شهرستان محل سکونت خود پیگیری کنند. این اطلاعیه می‌افزاید: به عنوان مثال، در خانواده دارای یک فرزند پسر سالم و یک فرزند معلول، در صورت تایید معلولیت

شدید فرزند از سوی سازمان بهزیستی و شورای پزشکی وظیفه عمومی، تنها فرزند پسر سالم خانواده از خدمت دوره ضرورت معاف می‌شود. در این اطلاعیه آمده است: مشمولان و خانواده‌های آنان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان به نشانی [www.vazifeh.police.ir](http://www.vazifeh.police.ir) یا کانال سازمان در پیام‌رسان‌های داخلی (سروش، ایتا و روبیکا) به نشانی [@khabaresarbazi](https://t.me/khabaresarbazi) از آخرین اخبار مربوطه مطلع شوند.



در راستای حمایت از خانواده‌های دارای فرزند معلول و برابر ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح، معافیت تنها فرزند پسر سالم خانواده‌های دارای فرزند معلول شدید، به ماده ۶ قانون جامع حمایت از معلولان افزوده شد



# خط ملی اعتیاد

## پاسخگوی مردم در حوزه اعتیاد

«خط ملی اعتیاد» با شماره تماس ۰۹۶۲۸ برای مشاوره در زمینه‌های پیشگیری و درمان اعتیاد و همچنین ارجاع به مراکز ترک اعتیاد به هموطنان خدمات ارائه می‌دهد.

خط ملی اعتیاد با شماره تماس ۰۹۶۲۸ سال‌هاست راه‌اندازی شده که متولی آن سازمان بهزیستی است و آماده ارائه مشاوره به خانواده‌های دچار معضل اعتیاد است. همه هموطنان می‌توانند از طریق شماره

تلفن ۰۹۶۲۸ از سراسر کشور با مشاوران این مرکز ارتباط تلفنی برقرار کرده و در زمینه مواد مخدر و اعتیاد مشکلات خود را مطرح کنند.

بر این اساس، نحوه تعیین شدت اعتیاد، شناسایی مواد محرک صنعتی و غیر صنعتی اعتیاد آور، معرفی مراکز مجاز ترک اعتیاد و چگونگی ترک اعتیاد از جمله پرسش‌های تماس‌گیرندگان است که مشاوران این خط به آن پاسخ می‌دهند. مردم با تماس با خط ملی اعتیاد با شماره تماس ۰۹۶۲۸ به صورت رایگان می‌توانند در زمینه درمان اعتیاد و معرفی نزدیک‌ترین مرکز درمان اعتیاد به محل سکونت خود اطلاعات کافی را دریافت کنند.

همچنین اطلاعاتی در زمینه علائم مصرف شیشه، تریاک و کوکائین از جمله مواردی است که مردم با این سامانه در میان می‌گذارند. سوالات باید مرتبط با اعتیاد باشد و درمان پشت خط انجام نمی‌شود اما راهنمایی شیوه‌های درمانی و ارجاع به مراکز و سوالات مربوط به درمان ارایه می‌شود.

گاهی فرد مصرف‌کننده و نیز گاهی در



**در هشاد و هشتمین جلسه کمیته فرهنگی - پیشگیری سناد مبارزه با مواد مخدر، تفاهم نامه‌ای با هدف ارتقا و بهینه‌سازی خدمات مرکز خط ملی اعتیاد بین سازمان بهزیستی کشور و سناد مبارزه با مواد مخدر منعقد شد**

خانواده یا اطرافیان، فرد مصرف‌کننده‌ای دارد با خط ملی اعتیاد تماس می‌گیرد تا به طور مثال برای هدایت آنان از شیوه‌های درمانی مطلع شود، گاهی نیز افراد، فرزندان دارند که نگران هستند، مواد مصرف کنند بنابراین با خط ملی اعتیاد

تماس می‌گیرند که از اعتیاد فرزندان خود پیشگیری کنند.

تماس‌گیرندگان در صورت نیاز به تمام مراکز که تحت نظارت بهزیستی هستند چه دولتی و غیردولتی، سرپایی، کمپ‌ها و مراکز اقامتی بهبود و بازتوانی ارجاع داده می‌شوند.

معاون پیشگیری و درمان اعتیاد مرکز توسعه اعتیاد پیشگیری سازمان بهزیستی کشور درباره خط ملی اعتیاد با شماره تماس ۰۹۶۲۸ می‌گوید: این سامانه با هدف ارائه راه‌کارهای پیشگیری از مصرف مواد اعتیاد آور، درمان اعتیاد، و ارجاع به مراکز ترک و بازتوانی اعتیاد در اسفند ماه ۱۳۸۷ افتتاح شده است و از همان روز با استقبال مردم روبه‌رو بوده و

**از هر جای ایران!**

**اگر سؤالی درباره پیشگیری از اعتیاد**

**و یا درمان و بازتوانی اعتیاد دارید، با ما تماس بگیرید.**



نحوه تعیین شدت اعتیاد،  
شناسایی مواد محرک  
صنعتی و غیر صنعتی  
اعتیاد آور، معرفی  
مراکز مجاز ترک اعتیاد  
و چگونگی ترک اعتیاد  
از جمله پرسش‌های  
تماس گیرندگان است که  
مشاوران این خط به آن  
پاسخ می‌دهند. مردم با  
تماس با خط ملی اعتیاد  
با شماره تماس ۰۹۶۲۸  
به صورت رایگان  
می‌توانند در زمینه  
درمان اعتیاد و معرفی  
نزدیک‌ترین مرکز  
درمان اعتیاد به محل  
سکونت خود اطلاعات  
کافی را دریافت کنند



تفاهم نامه‌ای با هدف ارتقا  
و بهینه‌سازی خدمات مرکز  
خط ملی اعتیاد بین سازمان  
بهبودی کشوری و ستاد  
مبارزه با مواد مخدر  
منعقد شد.  
اقطار، توسعه کمی  
و کیفی در ابعاد  
سخت‌افزاری و  
نرم‌افزاری با هدف  
ایجاد تنوع در خدمات  
و افزایش سطح پوشش  
مخاطبین را از دیگر اهداف  
انعقاد این تفاهم نامه عنوان  
کرد و گفت: بر اساس مفاد  
این تفاهم نامه مقرر شده  
است: با ایجاد فضای آموزشی  
تخصصی، آموزش‌های لازم  
به علاقه‌مندان آرایه خدمت  
در حوزه پیشگیری و درمان  
اعتیاد آرایه شود تا بتوانند  
به افراد نیازمند در زمینه  
اعتیاد، خدمت‌رسانی کنند.

هزاران تماس گیرنده را تحت  
پوشش قرار داده است.  
فرهاد اقطار می‌افزاید: با  
تاسیس این مرکز مکانیسم  
مسئمت و دائمی و ارتباط  
دو طرفه بین مردم و مسئولان  
و سیاست‌گذاران حوزه  
پیشگیری و درمان ایجاد شده  
است و مردم از سراسر کشور  
می‌توانند از ساعت ۸ صبح تا  
۲۰ با این مرکز تماس بگیرند و  
در زمینه پیشگیری و درمان  
اعتیاد راهنمایی دریافت  
کنند.  
وی در ادامه از انعقاد تفاهم  
نامه همکاری بهزیستی با  
ستاد مبارزه با مواد مخدر در  
راستای ارتقا و بهینه‌سازی  
خدمات مرکز خط ملی  
اعتیاد خبر داد و گفت: در  
هشتاد و هشتمین جلسه  
کمیته فرهنگی - پیشگیری  
ستاد مبارزه با مواد مخدر،

۰۹۶۲۸

# دوازدهمین دوره اعطای تندیس ملی فداکاری به دانشجویان ایران برگزار شد



دوازدهمین دوره اعطای تندیس ملی فداکاری به دانشجویان ایران؛ در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد.

علی محمد قادری معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور در این مراسم گفت: این آیین؛ موضوعی بسیار جدی است که برگرفته از فخامت، شجاعت و آراستگی خانواده‌های ایرانی از دیر باز است. ایرانیان عزیز فرزندان‌ی تربیت کرده‌اند که در کنار تحصیلات و مجاهدت خودشان کار خیر و نیکوکاری را به عنوان یک پیش‌راننده در نظر می‌گیرند و مسیر زندگی خود را با این موضوع می‌پیمایند.

وی افزود: این جریان، یک رفتار حرفه‌ای در کشور است که می‌بایست به صورت جدی دنبال شود و نهادهای متعدد، شرکای اجتماعی و تمامی عزیزانی که دستی بر موضوع دارند کمک کنند تا بیش از گذشته بتوانیم به صورت ملی با زیرنظام‌های فصلی با حضور حداکثری همه دستگاه‌ها و مجموعه‌ها، عرصه‌های خدمت‌گزاری و شناسایی افراد را در قالب کانون‌های استعدادیابی از جنس شهامت و شجاعت و کارهایی که انجام شده است را بیشتر مرور کنیم. ممیزی این

نوع آثار حتماً کار بسیار سختی است. یک دانشجو در دانشگاه‌ها حتماً باور قلبی دارد که می‌تواند به مردم کمک کند.

قادری گفت: سازمان بهزیستی یک سازمان اورژانسی و جهادی است که در مقابل روشن بودن موتور تولید فقر، معلولیت و آسیب‌های اجتماعی ۲۴ ساعته فعالیت می‌کند و بیش از ۷ میلیون را در گستره خود دارد. اما باید به ما کمک کنید. شما جهادگر و متخصصی هستید که در حتماً در دوره گذر تحصیلی خود و در امتداد حکمت‌هایی که پدران‌تان در سفره زندگی شما ایجاد کرده‌اند مسیر خدمت را طی کرده‌اید و ان‌شاءالله مادامی که زنده هستید در پناه حضرتش این چنین شکوفا باشید.

رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به پلت‌فرم‌های موضوعی سازمان بهزیستی در حوزه‌های متنوع گفت: ان‌شاءالله بتوانید به عنوان یک جهادگر و تسهیل‌گر در روستاها و مناطق شهری کمک کنید و همان‌طور که فداکارانه در عرصه‌های مختلف حضور دارید در کنار افراد دارای معلولیت در حوزه‌های توانبخشی، کارهای اساسی انجام دهید. قادری یکی از نظام مسائل



دوازدهمین دوره  
اعطای تندیس  
ملی فداکاری به  
دانشجویان ایران؛  
موضوعی بسیار جدی  
است که برگرفته از  
فخامت، شجاعت و  
آراستگی خانواده‌های  
ایرانی از دیر باز  
است. ایرانیان عزیز  
فرزندان‌ی تربیت  
کرده‌اند که در کنار  
تحصیلات و مجاهدت  
خودشان کار خیر و  
نیکوکاری را به عنوان  
یک پیش‌راننده در نظر  
می‌گیرند و مسیر  
زندگی خود را با این  
موضوع می‌پیمایند



**سازمان بهزیستی یک سازمان اورژانسی و جهادی است که در مقابل روشن بودن موتور تولید فقر، معلولیت و آسیب‌های اجتماعی ۲۴ ساعته فعالیت می‌کند و بیش از ۷ میلیون رادر گستره خود دارد**

دارای معلولیت جسمی حرکتی (استان آذربایجان غربی)، علی معتبرنیا، نماینده گروه جهادی شهید حاج حسین همدانی (استان همدان)، هاشم برهانی‌زاده، دانشجوی کارشناسی علوم ورزشی دانشگاه آزاد سوسنگرد (استان خوزستان)، محمد مظفری، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان (استان سمنان) و همچنین پزشک فداکار دارای معلولیت دکتر معصومه محبی، دکتر چشم‌پزشک از بیمارستان فارابی با بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت فداکارانه برای نیازمندان، با اهدای تندیس ملی فداکاری و لوح تقدیر، تشکر و قدردانی شد.

دوم هست برای برخی از دوستان من و شما و دانشجویان عزیزی که باور قلبی آن‌ها کمک کردن هست، اما از نحوه انجام این کار مطلع نیستند، اما اگر شما با آن‌ها گفت‌وگو کنید و آگاهی بدهید، حتماً در فصل‌های بعدی در کنار شما قرار می‌گیرد. وی در پایان اظهار امیدواری کرد: همه شما به عنوان داوطلبان ارزشمند در این پهنه بسیار بزرگ کمک کنید تا ماموریت‌های ذاتی سازمان بهزیستی بیش از گذشته انجام گیرد. در این مراسم از دانشجویان معرفی شده از سوی سازمان بهزیستی؛ شهرام خداپرست، دانشجوی دکتری مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی ارومیه

حساس کشور را موضوع آسیب‌های اجتماعی دانست و گفت: خواهران و برادران عزیز شما در عرصه‌ها و پهنه‌های مختلف جغرافیایی کشور مشغول کمک به ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی هستید، تا ۵ آسیب کلان اجتماعی کشور را مدیریت کنند تا بتوانیم در حوزه اجتماعی هم پیشرفت روزافزون داشته باشیم. ان‌شاءالله مرزبان‌ی اجتماعی در کشور داشته باشیم تا بتواند بروز و شیوع آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد. رئیس سازمان بهزیستی کشور با اعلام کد دستوری #۱۲۳\* (سامانه بهزیستی) به عنوان یک درگاه ارتباطی بهزیستی و مردم گفت: محرومیتی از نوع

# واگذاری ۲۳۰۰ کودک برای فرزندخواندگی در سال گذشته

وی با اشاره به اینکه ۹ هزار و ۳۷۲ خانواده در سال ۱۴۰۱ برای فرزندخواندگی ثبت نام کردند که با احتساب آمار تجمیعی سه سال اخیر، تعداد متقاضیان فرزندخواندگی از ۳۸ هزار خانواده بیشتر است، گفت: البته از این تعداد حدود ۶۰۰۰ خانواده در سه سال اخیر از نعمت فرزندخوانده برخوردار شده‌اند.

مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور این راه هم گفت که در سال ۱۴۰۱ بیشترین متقاضیان همچنان متعلق به استان‌های تهران، خراسان



**در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۲۳۰۰ خانواده از طریق فرزندخواندگی یا حکم امین موقت صاحب فرزند شدند، اظهار کرد: از این تعداد ۲۰۷۵ خانواده بدون فرزند (اولویت اول)، ۴۶ بانوی مجرد (اولویت دوم) و مابقی خانواده‌های دارای فرزند (اولویت سوم) بوده‌اند**

تعداد کودکان قابل واگذاری برای فرزندخواندگی است، خاطر نشان کرد: علت این موضوع این است که کودکانی قابل واگذاری به فرزندخواندگی هستند که بی سرپرست یا بدسرپرست، سلب حضانت شده باشند. همه متقاضیان همچنان متقاضی کودکان زیر ۵ سال و دارای سلامت هستند در صورتی که امکان واگذاری بیش از ۱۰۰۰ کودک و نوجوان بالای ۵ سال (دارای سلامت) یا زیر ۵ سال نیازمند درمان به فرزندخواندگی وجود دارد، این در حالی است که همچون گذشته متقاضیانی که برای فرزندپذیری این کودکان اعلام آمادگی کنند از نوبت خارج شده و در اولویت رسیدگی قرار می‌گیرند.

۵ درصدی همراه بوده است. وی با اشاره به بالاترین میزان فرزندخواندگی به تفکیک استانی افزود: بیشترین میزان فرزندخواندگی به ترتیب در استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان انجام شده است و کرمان، مازندران و فارس استان‌های بعدی در این زمینه هستند که بیش از ۱۰۰ کودک به فرزندخواندگی واگذار شده است. به گفته مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور، در سال گذشته بیش از ۲۰۰ کودک نیازمند درمان به عنوان فرزندخوانده به خانواده‌ها واگذار شده‌اند. بابایی با بیان اینکه بزرگ‌ترین چالش در مسیر فرزندخواندگی تعداد بالای متقاضیان نسبت به

مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه در سال گذشته ۲۳۰۰ خانواده از طریق فرزندخواندگی یا حکم امین موقت صاحب فرزند شدند، اظهار کرد: میزان فرزندخواندگی در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۰ با رشد حدود ۵ درصدی همراه بوده است. سعید بابایی، با بیان اینکه در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۲۳۰۰ خانواده از طریق فرزندخواندگی یا حکم امین موقت صاحب فرزند شدند، اظهار کرد: از این تعداد ۲۰۷۵ خانواده بدون فرزند (اولویت اول)، ۴۶ بانوی مجرد (اولویت دوم) و مابقی خانواده‌های دارای فرزند (اولویت سوم) بوده‌اند. میزان فرزندخواندگی در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۰ با رشد حدود



۵۶ درصد متقاضیان، خواستار کودک دختر و ۲۱ درصد خواستار کودک پسر هستند و ۲۳ درصد انتخاب را به سازمان بهزیستی سپرده‌اند، البته نسبت به سال‌های گذشته این تناسب از درصد بالای متقاضیان دختر به این نسبت رسیده است

رضوی، اصفهان، مازندران و کرمان بوده است.

بنابر اظهارات بابایی، ۵۶ درصد متقاضیان، خواستار کودک دختر و ۲۱ درصد خواستار کودک پسر هستند و ۲۳ درصد انتخاب را به سازمان بهزیستی سپرده‌اند، البته نسبت به سال‌های گذشته این تناسب از درصد بالای متقاضیان دختر به این نسبت رسیده است.

وی ادامه داد: همچنین ۶۴ درصد متقاضیان کودک زیر ۲ سال می‌خواهند که طبیعتاً تعداد این کودکان بسیار محدود است. ۲۸ درصد نیز متقاضی کودکان ۳ تا ۶ سال هستند و تنها ۸ درصد متقاضی کودکان بالای ۶ سال هستند که البته نسبت به سال گذشته یک درصد رشد داشته است. مدیر کل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور بابیان اینکه ۸۳ درصد مخالف پذیرفتن کودکان دارای پدر و مادر مشخص هستند (بدرپرست) در صورتی که قاطبه کودکان موجود به این سمت حرکت کرده‌اند، گفت: ۲ درصد از متقاضیان خواستار کودکان دارای معلولیت و ۵ درصد متقاضی کودک نیازمند درمان هستند.

بابایی افزود: تنها ۵ درصد از متقاضیان مخالف اعلام فرزندخواندگی در زمان مناسب به کودکان خود هستند و در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد متقاضیان اعلام کردند در زمان مقتضی به کودک اطلاع خواهند داد.







## نجات ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک از خطر معلولیت با غربالگری بینایی

حدود ۸۴ درصدی را نسبت به سال‌های گذشته نشان می‌دهد که رشد بسیار خوبی در زمینه پوشش دهی است.

صفاری فرد با بیان اینکه تنبلی چشم عارضه‌ای است که اگر در زمان طلایی شناسایی و درمان نشود، می‌تواند منجر به معلولیت بینایی کودک شود، گفت: «به همین دلیل لازم است کودکان سه

است. در قالب این طرح اختلالات بینایی و تنبلی چشم در کودکان سه تا شش سال غربال می‌شود. به گفته وی در سال‌های گذشته پوشش خیلی خوبی وجود داشت و سازمان موفق شد از چهار میلیون و پانصد هزار کودک در گروه سنی سه تا شش سال برای سه میلیون و ۸۰۰ هزار کودک غربال بینایی انجام دهد. پوشش این برنامه رشد

بهبودی کشور در گفت‌وگو با «ایران» گفت: «با انجام غربالگری بینایی، سالانه به طور متوسط از معلولیت بیش از هشت هزار کودک در کشور پیشگیری می‌شود.»

وی طرح غربالگری بینایی یا آمبیلوپی برای کودکان سه تا شش ساله از سال ۱۳۷۵ در سازمان بهداشتی شروع شده و از برنامه‌های موفق سازمان بهداشتی کشور

معاون پیشگیری از معلولیت‌های مرکز پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهداشتی کشور با اشاره به اینکه طرح غربالگری کودکان ۳ تا ۶ سال از سال ۱۳۷۵ آغاز شده است، از غربالگری ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک در سال گذشته خبر داد.

دکتر افروز صفاری فرد معاون پیشگیری از معلولیت‌های مرکز پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان

تا ۶ ساله، سه بار در طول سنوات عمر خود از نظر تنبلی چشم غربال شوند. از ابتدای شروع این برنامه تاکنون بالغ بر ۵۵ میلیون مورد غربال با احتساب اینکه هر کودکی طی سال‌های عمرش سه بار غربال بینایی می‌شود، انجام شده که نتیجه آن شناسایی افزون بر ۳۷۰ هزار مورد کودک مبتلا به تنبلی چشم بوده که با درمان بهنگام، از معلولیت بینایی آن‌ها جلوگیری شده است.»



### غربالگری‌های رایگان در مناطق محروم و روستاها

معاون پیشگیری از معلولیت‌های مرکز پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی با بیان اینکه برای اقتضای محروم و نیازمند، بسته‌های حمایتی جهت تامین عینک و کمک هزینه جراحی از طرف سازمان بهزیستی در نظر گرفته شده است که پرداخت می‌شود، افزود: «در سال گذشته حدود ۹۰۲ هزار کودک ساکن در روستاها و سه هزار و ۵۰۰ کودک عشایر مورد ارزیابی بینایی قرار گرفته‌اند. برنامه غربالگری بینایی در تمام نقاط شهری، روستایی، مناطق محروم و حاشیه شهرها انجام می‌شود.»

وی ادامه داد: «غربالگری‌ها با پرداخت تعرفه دولتی انجام می‌شود و در بسیاری از استان‌های محروم، روستاها و حاشیه شهرها این خدمات رایگان است و خانواده‌های نیازمند هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند.» صفاری فرد یادآور شد: «امسال هم همانند سال‌های گذشته برنامه غربالگری بینایی از ۱۵ اردیبهشت آغاز شده است و کودکان سه تا ۶ سال مورد ارزیابی

مورد ارزیابی شنوایی قرار می‌گیرند تا در صورتی که دچار اختلال شنوایی باشند از مداخلات بهنگام بهره‌مند شوند.»

وی ادامه داد: «کودکانی که در مرحله نوزادی مورد غربالگری شنوایی قرار نگرفته باشند در سنین سه تا پنج سال مورد ارزیابی شنوایی قرار خواهند گرفت تا اگر به این دلیل که کودک در نوزادی غربال نشده یا طی سال‌های عمرش دچار بیماری‌هایی شده باشد که باعث اختلال در شنوایی او شده، سریع‌تر تشخیص داده شود تا فرصت طلایی برای درمان مشکلات شنوایی کودک نیز از دست نرود.»

در تمام مراحل این غربالگری هم سازمان بهزیستی از خانواده‌های نیازمند حمایت کرده و کمک هزینه‌های لازم به این خانواده‌ها پرداخت می‌شود.»

صفاری فرد در پایان با اشاره به اینکه به دلیل شناخت زود هنگام آلزایمر و دمانس در سالمندان از سال گذشته غربالگری اختلالات شناختی سالمندان ۶۰ تا ۷۵ سال را هم در برنامه‌های دفتر پیشگیری گنجانده‌اند، گفت: «از بهمن ماه سال گذشته غربالگری اختلالات شناختی سالمندان ۶۰ تا ۷۵ سال را هم جزو برنامه‌های کاری قرار دادیم که فعلاً در دو استان قزوین و یزد به صورت پایلوت انجام شده است و امیدواریم تا پایان امسال بتوانیم نتایج این کار را بررسی کنیم و به مرور به بقیه استان‌های کشور تسری دهیم. اهمیت این غربالگری از این جهت است که می‌تواند از افت عملکرد سالمندان که منجر به وابستگی به خانواده و نیاز به خدمات مراقبتی می‌شود، جلوگیری کند.»

قرار می‌گیرند.»

وی افزود: «بعد از اینکه کودکی در غربالگری، مشکوک تشخیص داده شد، به اپتومتریست‌ها (بینایی‌سنج) که طرف قرارداد داده می‌شود؛ سپس مداخلات برای آن‌ها انجام می‌شود و در صورتی که نیاز به مداخلات جراحی و پزشکی وجود داشته باشد، به چشم‌پزشکان حاضر در برنامه ارجاع داده می‌شوند. سازمان بهزیستی، هم در زمینه ویزیت و هم مداخلات مربوط به تجویز عینک و کمک هزینه جراحی حمایت‌های لازم را از خانواده‌های نیازمند انجام می‌دهد. پیگیری‌های لازم تا زمانی که مطمئن شویم کودک مداخلات بهنگام را دریافت کرده است، از طرف بهزیستی انجام می‌شود. در واقع یکی از عوامل موفقیت این برنامه پیگیری دریافت مداخلات لازم برای کودکان است. البته به جز تنبلی چشم، اختلالات دیگر بینایی مثل عیوب انکساری و اختلالات وضعیت آناتومیک چشم نیز بررسی شده و اقدامات لازم در این زمینه هم انجام می‌شود.»

وی تاکید کرد: «از خانواده‌ها می‌خواهیم جهت انجام غربالگری فرزندان‌شان سریع‌تر اقدام کرده و کودکان سه تا ۶ ساله خود را به نزدیک‌ترین مرکز غربالگری ببرند تا از سلامتی کودکان خود اطمینان حاصل کنند.» معاون پیشگیری از معلولیت‌های مرکز پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی در ادامه با اشاره به غربالگری شنوایی نوزادان گفت: «یکی دیگر از برنامه‌های غربالگری سازمان بهزیستی، غربالگری شنوایی نوزادان است که نوزادان در بدو تولد



طرح غربالگری بینایی یا آمبلیوپی برای کودکان سه تا شش ساله از سال ۱۳۷۵ در سازمان بهزیستی شروع شده و از برنامه‌های موفق سازمان بهزیستی کشور است. در قالب این طرح اختلالات بینایی و تنبلی چشم در کودکان سه تا شش سال غربال می‌شود

سرپرست دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی خبر داد:

# حمایت سازمان بهزیستی از ۳۸ هزار خانوار دارای فرزند چندقلو

کشور گفت: ۲۷۷ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور قرار دارند. اسعدی تصریح کرد: ۹۵۰۰ نفر از دانشجویان و ۹۰ هزار نفر از دانش‌آموزان خانواده‌های زن سرپرست نیز تحت پوشش بهزیستی قرار دارند و ۱۲۰۰ خانوار نیز پشت نوبت دریافت خدمات بهزیستی هستند. وی اضافه کرد: خدمات ارائه شده به دانش‌آموزان و دانشجویان

درآمدی یک تاهفت و خانواده‌های دارای فرزندان سه قلو و بیشتر، بدون در نظر گرفتن دهک درآمدی می‌توانند تحت پوشش خدمات سازمان قرار گیرند.

**۲۷۷ هزار نفر زن سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی هستند**

سرپرست دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی

وی خاطر نشان کرد: علاوه بر مستمری ماهانه، خدمات غیرمستمر به خانواده‌های دارای فرزند چندقلو شامل پرداخت کمک هزینه درمان و لوازم ضروری و کمک بلاعوض سرمایه کار و یا معرفی جهت اشتغال و معرفی جهت دریافت تسهیلات بانکی در زمینه اشتغال در صورت وجود اعتبار ارائه می‌شود. اسعدی تاکید کرد: خانواده‌های دارای فرزند دوقلو در دهک

سرپرست دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور گفت: ۳۸ هزار و ۹۶۵ خانواده دارای فرزند چندقلو تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل؛ نرجس خاتون اسعدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا افزود: همچنین تعداد ۳۵ هزار و ۲۸۵ خانواده‌های دارای فرزند دوقلو دهک یک تاهفت نیز تحت پوشش بهزیستی هستند.





سازمان پس از ابلاغ قانون جوانی جمعیت، نسبت به تحت پوشش قرار دادن کلیه خانواده‌های نیازمند دارای فرزند دوقلو و بیشتر پشت نوبت دریافت خدمات از این سازمان اقدام کرد. به طوریکه خانواده دارای فرزندان چندقلو تحت پوشش خدمات سازمان، با احتساب ۱۴ هزار خانواده جدید، از ۲۴ هزار خانواده در سال ۱۴۰۰ به ۳۸ هزار خانواده در سال ۱۴۰۱ افزایش یافت

خدمات سازمان قرار گیرند. اسعدی در خصوص خدمات سازمان بهزیستی به خانواده‌های دارای فرزند دوقلو و بیشتر بیان کرد: ماهیانه به خانواده‌ها به طور میانگین، معادل یک میلیون و چهارصد هزار تومان مستمری پرداخت می‌شود و همچنین سهمیه شیر خشک به هر استان طبق تعرفه وزارت بهداشت تخصیص داده می‌شود. وی این را هم گفت که در حال حاضر تمامی خانواده‌های واجد شرایط از تسهیلات اشتغال و کمک هزینه‌های درمانی، تغذیه و... نیز برخوردار می‌شوند.

خدمات از این سازمان اقدام کرد، به طوریکه خانواده دارای فرزندان چندقلو تحت پوشش خدمات سازمان، با احتساب ۱۴ هزار خانواده جدید، از ۲۴ هزار خانواده در سال ۱۴۰۰ به ۳۸ هزار خانواده در سال ۱۴۰۱ افزایش یافت. مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور با اشاره به شرایط ارائه خدمات به این خانواده‌ها اعلام کرد که خانواده‌های دارای فرزند دوقلو در دهک درآمدی یک تا هفت و خانواده‌های دارای فرزندان سه‌قلو و بیشتر، بدون نظر گرفتن دهک درآمدی می‌توانند تحت پوشش

دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور با اشاره به ارائه خدمات اجتماعی به خانواده‌های دارای فرزندان چندقلو از سوی بهزیستی، اظهار کرد: در سال گذشته حدود ۱۴ هزار خانواده دارای فرزند چندقلو تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار گرفتند. مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور، افزود: این سازمان پس از ابلاغ قانون جوانی جمعیت، نسبت به تحت پوشش قرار دادن کلیه خانواده‌های نیازمند دارای فرزند دوقلو و بیشتر پشت نوبت دریافت

خانواده‌های زن سرپرست شامل پرداخت کمک هزینه تحصیلی است. سال گذشته حدود ۱۴ هزار خانواده دارای فرزند چندقلو تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار گرفتند. همچنین مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد: خانواده‌های دارای فرزند دوقلو در دهک درآمدی ۱ تا ۷ و خانواده‌های دارای فرزندان سه‌قلو و بیشتر، بدون نظر گرفتن دهک درآمدی می‌توانند تحت پوشش خدمات بهزیستی قرار گیرند. «نرجس اسعدی» مدیرکل





گفت و گو با یکی از قهرمانان تیم ملی بسکتبال با ویلچر ایران:

## این مدال حاصل دوسال شرکت در اردو و دوری از خانواده بود

و نشاط گروهی هست که باعث بهبود عملکرد جسمی افرادی که دارای معلولیت‌های مختلف هستند می‌شود.

وی بر این باور است که این مدال حاصل دو سال شرکت در اردو و دوری از خانواده بوده و امیدوار است که بتواند به موفقیت‌های دیگر هم دست یابد.

تیم‌های عراق، فرانسه، آلمان و هلند که از قوی‌ترین تیم‌های دنیا بودند بعد از آمریکا و انگلیس به مقام سوم رسیدند.

وی درباره انگیزه خودش برای شرکت در این مسابقات ادامه می‌دهد: بعد از پرتاب و کسب مدال‌های مختلف به بسکتبال روی آوردم چون بسکتبال دارای هیجان

در کشورهای امارات با کسب مدال برنز به کشورش برگشته و این برای اولین بار در تاریخ ایران است که تیم بسکتبال روی سکوی جهانی رفته است. به گفته این قهرمان، این مسابقات با ۱۶ تیم دنیا برگزار شد که ایران با تیم‌های انگلیس قهرمان جهان و آمریکا قهرمان پارالمپیک هم گروه بود و در پایان با شکست

چندی پیش بود که تیم ملی بسکتبال با ویلچر ایران برای نخستین بار در تاریخ، با عبور از سد هلند در رده‌بندی به مقام سوم رقابت‌های قهرمانی جهان دست یافتند. تیمی که حتی بدون یک بازی تدارکاتی به امارات اعزام شده و در دوره قبلی مقام چهارم را تصاحب کرده و در این دوره هم با یک پله صعود، برای نخستین بار در تاریخ به مقام سوم رسید. علیرضا کمالی فرد یکی از همان قهرمانانی است که علاوه بر کارش در سازمان بهزیستی کشور با ۲۴ سال سابقه آن هم با معلولیت جسمی و حرکتی که دارد از سال ۱۳۸۰ عضو تیم ملی دو و میدانی پرتاب‌ها و کسب بیش از ۱۵ مدال پارالمپیک و جهانی و پارا آسیایی شده است.

آنطور که خودش می‌گوید: از سال ۱۳۹۵ عضو تیم ملی بسکتبال با ویلچر است که مدال‌های نقره آسیا و اقیانوسیه را کسب کرده و در مسابقات جهانی بسکتبال با ویلچر



**علیرضا کمالی فرد یکی از همان قهرمانانی است که علاوه بر کارش در سازمان بهزیستی کشور با ۲۴ سال سابقه آن هم با معلولیت جسمی و حرکتی که دارد از سال ۱۳۸۰ عضو تیم ملی دو و میدانی پرتاب‌ها و کسب بیش از ۱۵ مدال پارالمپیک و جهانی و پارا آسیایی شده است**



# «سامانه نظارت مردمی سازمان بهزیستی کشور»



# ۱۴۸۲

## دیده بان

### سامانه نظارت مردمی سازمان بهزیستی کشور

شما می‌توانید شکایات، گزارشات و پیشنهادات خود را از طریق درگاههای ذیل اعلام نمایید:

صندوق صوتی 📞

سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۵۳۰ ✉️

برنامه کاربردی تلفن همراه 📱

پاسخگویی کاربر 🗣️

وبگاه: [didehban . behzisti.gov.ir](http://didehban.behzisti.gov.ir) 🌐



دسترسی سریع  
به دیده بان

تهران ضلع شمالی پارک شهر ، جنب پایانه شهید دکتر فیاض بخش  
سازمان بهزیستی کشور کد پستی : ۱۳۷۱۶۷۸۹۶۵



# بهمراه با پیشگامان در حرکت

مهرواره  
وزارت محترم  
سازمان بهزیستی

حرکتی مردم پایه، هم افزا و مسئله محور  
در راستای ایجاد لیگند و حل مسائل  
جامعه هدف سازمان بهزیستی در سطح محلات کشور

